احیای قنوات قزوین به استناد منابع و اسناد آرشیوی

پدیدآورده (ها) : کریمیان،علی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1382 - شماره 51 و 52
از 14 تا 33
آدرس ثابت : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92419

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 22/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

احیای قناتهای قزوین به استناد منابع و اسناد آرشیوی

علی کریمیان

وَجَعَلْنا فِی الْأَرْضِ مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍ (۱)

پیشینه قنات در ایران

از چندین هزار سال پیش مردمی که در فلات ایران زندگی می کردند به واسطه کمبود آب، کمی بارندگی و رطوبت در بعضی از مناطق این فلات به ناچار و ناگزیر در جستجوی آب به دل خاک رفته(۲)یا برای تهیه آب مورد لزوم کشت و زرع، از وسایل طبیعی آبیاری به صورت شق نهر، از رودخانه یا به وسیله آبیاری مصنوعی با حفر قنوات و کاریز، آب فراهم می آورند. کاریز (کاه‌ریز) یا قنات یکی از اختراعات و ابداعات نبوغ ایرانی است و اگر در جای دیگر این طرز آبیاری دیده شود؛ بدون شک اصل و منشاء آن ایران است که به وسیله مقنیان آزموده و به دستور فرماندهان ایرانی معمول گردیده است.(۳) قدمت کاریز یا قنات را در حدود سه هزار سال قبل در ایران برای اولین بار تخمین زده‌اند و همان طور که گفته شد؛ قنات یک اختراع اصیل ایرانی است که معمولاً با شرایط محیط طبیعی ایران هماهنگ است. سپس فن کاریزسازی از ایران به تمام قاره‌ها برده شده و هنوز هم مورد استفاده است.(۴) چنان که در تواریخ آمده، اکباتان(۵) قدیم دارای قنوات فراوان بوده، اغلب آبادیهای معتبر فلات ایران از دوره مادها به بعد به همین روش آبیاری می شده است(۶) و مدارک مکتوب و حفریات اخیر شکی باقی نمی گذارد که ایران باستان جایگاه واقعی قنات بوده است.

در اوایل قرن هفتم پیش از میلاد، سارگون دوّم (Sargon II)(۷۰۵.۷۲۲ پیش از مسیح) پادشاه آشور، گزارش داد که: «در اثنای جنگی در ایران با اوراتور (Uratur) یک سیستم زیرزمینی که برای مهار کردن آب به کار می رود، در نزدیکی دریاچه ارومیه کشف کرده است» و طبق لوحه‌ای که در خارج شهر نینوا (Neneveh) به یادبود بنیاد شبکه آبیاری آن شهر نهاده شده، معلوم می شود که سناخریب، پسر سارگون (۷۰۵.۶۸۱ پیش از مسیح) استفاده از آبهای زیرزمینی را سری اعلام داشت و مبادرت به طرح آبیاری عظیمی که از مجراهای زیرزمینی داشته، ساخته است. همان شاه براساس قنوات ایرانی جهت تامین شبکه آبرسانی شهر آربلا (Arbela) یک قنات احداث کرد. ترجمه لوحه هایی که اخیراً در مصر پیدا شده وضع برخی از طرح های آبیاری را که توسط دریا سالار ایرانی سیلکس در واحه کرقه (Kargha) یا کارگ (Karg)، پس از این که داریوش آن کشور را گشود، انجام گرفته نشان می دهد. در این لوحه نوشته شده است که «سیلکس روش آبیاری را به کار برد»، یعنی آب را از جویهای زیرزمینی به دشت کرقه رساند. از آن هنگام به بعد مصریان نسبت به فاتحین خود ایرانیان روش دشمنانه نداشتند. معبد آمون را ساختند و لقب فرعون را به داریوش دادند. بقایای این قناتها که اکنون پا برجاست و کار می کند، مورد بررسی قرار گرفته و معلوم می شود که ایرانیان چشمه آب زیرزمینی نیل را برگرداندند و آن را از زیرزمین به ۱۶۰ کیلومتری نیل بردند و به واحه کرقه

www.noormags.ir

رسانند.(۷)پول بیوس در نگارش وقایع جنگی میان آنیموخوس بزرگ و پادشاه پارتی ایران اشک دوم (۲۱۳.۲۰۵ پیش از مسیح)قنات قدری مفصل تر شرح می دهد: «زیرا در آن قسمت از ماده آب در سطح زمین دیده نمی شود، گرچه مجراهای زیرزمینی فراوان هست و در محل های مختلفی در بیابان چاه هایی زده اند که به آب می رسد که محلی نباشد و یا آن جا را نشناسد؛ نمی داند قناتها کجا هستند، زیرا تعداد زیادی از این قناتها در میان ملل به این دلیل باقی مانده است که ایرانیان در زمان فرمانروایی خود، حق بهره برداری از زمینهای بایر را برای پنج نسل به افراد واگذار می کردند، مشروط به اینکه آب تازه به آن اراضی بیاورند، و چون تعداد زیادی رودخانه های عظیم از کوه توروس (Taurus) سرازیر می شود؛ مردم با زحمات زیاد و مخارج هنگفت این مجراهای زیرزمینی را ساختند و همان کسانی که امروز از آنها استفاده می کنند؛ سرچشمه های اصلی قنوات را نمی دانند کجاست».

مگاستنس (Megasthenes) جغرافی نگار یونانی این روش آبیاری را در شمال هند دیده است، در آنجا بازرسان دولتی مجاری را بازرسی کرده و دستور می دادند کاریزها را پاک کنند و ضمناً پخش آب را نظارت می کردند. ویترویوس نخستین مورخ تکنولوژی که در سال ۸۰ پیش از مسیح زندگی می کرده شبکهٔ آبیاری با قنات را بیشتر توضیح می دهد.(۸)

توسعه قناتها به کندی پیش می رفت، اما در دوره ساسانی از قرن دوم بعد از میلاد مسیح قناتهایی بوجود آمده و رشته های قنات توسعه پیدا کرد و برای حفاظت آب در شهرها و دهات و در کنار جاده ها آب انبارهایی بنا شد.

پلیپ مورخ یونانی قرن دوم قبل از میلاد مسیح که از همراهان انتیوکوس که از پادشاهان سلوکی بوده، در یادداشتهای خود نوشته است که آب تنها در سطح زمین ظاهر نمی شود، و قناتهای زیرزمینی، آب انبارهایی را پر می کنند که محل آنها برای افراد غریبه ای که به شهر می آیند ناآشنا است. ساکنان این سرزمین با تحمل مخارج فراوان با عملیات دشوار آب را از راه دور توسط کانال های زیرزمینی به شهر می رسانند، به طوری که در روزگار ما افرادی که از این آب استفاده می کنند، نمی دانند مبداء آن از کجاست؟

قنات در دوره های بعد از اسلام

بعد از ساسانیان، قنات در زمان فتوحات اسلام اهمیت زیادی پیدا کرد و مسلمانان به رواج این تکنیک کمک نمودند. هانری گوبلو در کتابی به نام «قناتها» که به چاپ رسانده است، منشاء قنات را در شمال غربی ایران نشان می دهد که چگونه ساختن قنات به ممالک اسلامی رسوخ می کند و تا اندلس (اسپانیا) پیش می رود و به همین ترتیب تکنیک ساخت قنات از جانب شرق توسعه

www.noormags.ir

پیدا کرده، به ترکستان رفته و به چین رسوخ پیدا می کند به طوری که امروزه در شهر ترقان در چین قناتهای بسیاری است که به سبک ایرانی بنا شده است.(۹)

در ادوار بعد وقتی که هشام خلیفه در سال ۷۲۸ میلادی قصر باشکوهی در چند کیلومتری بغداد ساخت، آبیاری باغ آن به وسیلهٔ قنات انجام می گرفت. همچنین المتوکل، خلیفه عباسی (۸۴۷-۸۶۶ میلادی)، برای آبرسانی کاخ تازه‌ای که در سامره ساخت حتماً از مهندسان ایرانی کمک گرفته است. حفاریهایی که اخیراً در آنجا به عمل آمده نشان می دهد که آب دجلهٔ علیا از طریق قنات که جمع طول آن ۴۸۰ کیلومتر است به این قصر آورده می شد. عبدالله طاهر والی خراسان (۸۴۴-۸۲۸ میلادی) متوجه شد که در «احادیث نبوی» چیزی راجع به قنات و توزیع آب گفته نشده است، از فقهای آن ولایت دعوت کرد که کتابی در این باره بنویسند. کتابی که فقها نوشتند؛ نامش کتاب «قُنی» بود که تا سدهٔ یازدهم باقی و مورد استفاده قرار می گرفت. یک رسالهٔ فنی در دورهٔ هزار میلادی در این باره نوشته شده و خوشبختانه تا به امروز باقی است و اخیراً هم چاپ شده است. این رساله نوشتهٔ محمدبن الحسن الحاسب است که چندین جلد کتاب دربارهٔ ریاضی و مهندسی دارد. در این کتاب پیدا کردن سطح آب، آلات مساحی و نقشه برداری، ساختن نهرها و مجاری، سنگ چین آنان و جلوگیری کردن از خرابی، لایروبی و نگاهداری قنوات را با دقت قابل تحسین ذکر کرده است.(۱۰)

این پدیده عمری برابر تاریخ کهن ایران دارد و قدمت بسیاری از قناتها از چندهزار سال هم متجاوز است. در بعضی از نقاط من جمله حاشیه جنوب شرقی بیابان لوت و گرمسار، هنگام حفر قنات جدید، در زیرزمین و در مجرای آجری بست شده، به قنات قدیمی برخورد کرده‌اند. در حالی که در روی زمین هیچ اثری از چاه‌های قنات وجود نداشته است. یکی از سیاحان اروپایی به نام «هوتم شیندلر» در سال ۱۸۷۷ م از آثار هشت رشته قنات عظیم آجربست شده مربوط به چندهزار سال قبل در نزدیکی دامغان خبر می دهد که این خود نیز دلیل کافی برای آشنایی دیرینه و چندین هزار ساله ایرانیان با فن ساخت قنات می باشد.(۱۱)

قنوات برطبق طبیعت زمین و محلی که باید زراعت شود متفاوت است. در کوهپایه ها معمولاً قناتها کم طول و کم عمق می باشد. بالعکس در اراضی دشت هم عمق قنوات زیادتر و هم طول آنها بیشتر است؛ و گاهی اتفاق افتاده که یک قنات از محلی که برای زراعت آفتابی می شود؛ یعنی به سطح زمین می آید تا سرچشمه چندین فرسخ مسافت دارد. بدیهی است، نگاهداری این نوع قنوات گران تمام شده و نسبت مخارج آن بسته به جنس زمین و طول قنات می باشد. ترتیب حفر قنات در ایران به طور ساده و عبارت از این است که ابتدا گمانه زده و محلی که آب ده باشد؛ معین و بعد آن محل را با اراضی که

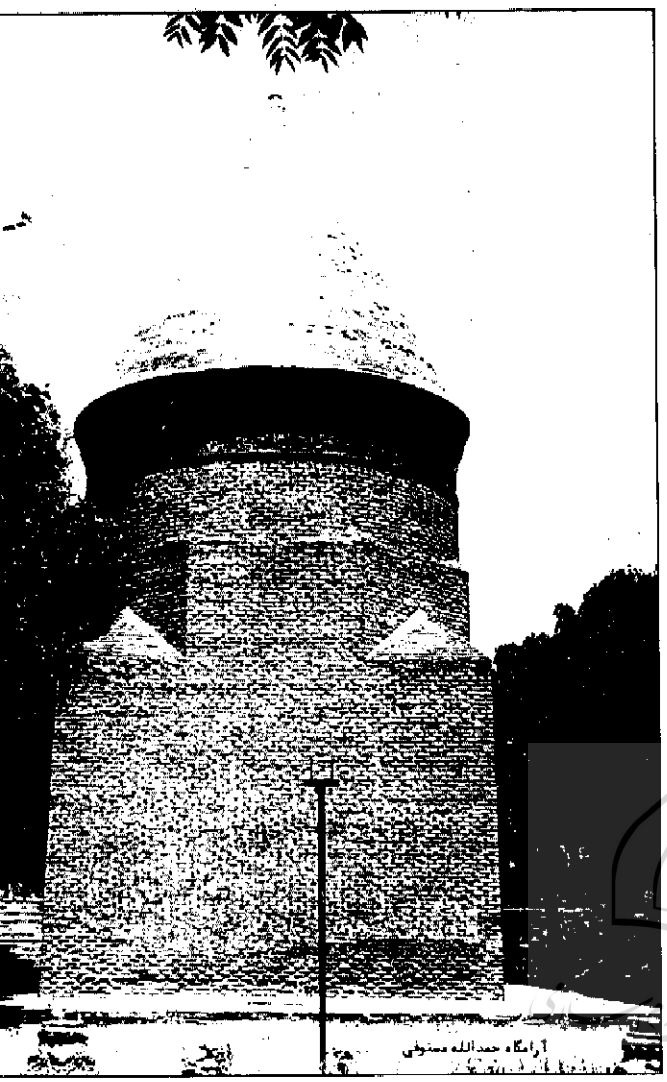

آب باید در روی زمین جاری شود و برای زراعت به کار رود طراز می نمایند، سپس در هر پانزده یا بیست ذرع دهانه چاهی حفر می نمایند که به بستر قنات می رسد و این عمل برای تسهیل تنقیه و هوای داخل قنات است؛ در جایی که قنات به چاه آب ده یا مادرچاه می رسد، دو سه رشته مجری در اطراف آن حفر می نمایند که آبهای اطراف را در یک جا جمع و به جریان می اندازد.(۱۲) البته تعداد این قناتها در کشور کم هم نیستند که در این جا به اجمال به معرفی قنات قصبه گناباد، یکی از قدیمی ترین، پرآب ترین، عمیق ترین و طولانی ترین قناتهای ایران بلکه دنیا که به نظر علاوه بر قدمت یکی از شگفتیهای عصر نیز بوده می پردازیم:

قنات قصبه با سابقه تاریخی ۲۵۰۰ ساله و به طول ۳۳ کیلومتر از عصر ناصرخسرو تاکنون بعنوان قدیمی ترین قنات جهان و یک پدیده شگرف نام برده‌اند. در بررسی تاریخی قنوات گناباد، قنات قصبه که از قدیمی ترین قناتهای جهان است، بعنوان مظهر تلاش انسان برای زیستن شرافتمندانه و بعنوان یکی از مواریث مسلم و فرهنگ بشری و از افتخارات ایرانیان یاد شده است. قنات قصبه که در مسیر یک دره طولانی در روستای دیسفان این شهرستان

www.noormags.ir

قرار دارد، شامل دو رشته اصلی و هفت رشته فرعی است و بیش از ۳۳ کیلومتر طول دارد. عمق چاه اصلی قنات ۳۰۰ الی ۳۳۰ متر بوده و فضاهای عجیب و دیدنی در درون این رشته قنات ایجاد شده که متاسفانه نیمی از قنات گذشته مسدود شده است.

قنات قصبه باتوجه به قدمتی که دارد، حوادث متعددی باعث خرابی و حتی مسدود شدن مسیر آب در بعضی از رشته‌های آن شده است که از جمله به موارد ذیل می توان اشاره کرد:

وقوع سه زلزله شدید در این منطقه، یکی در سال ۶۳۵ که باعث تغییر مظهر قنات از «پیرکله» بین محله نوغاب و کوی شرقی به نزدیکی مسجد سادات در کوی شرقی، دیگری زلزله سال ۱۰۸۹ هجری در زمان صفویه که باعث تغییر دوباره مظهر قنات از نزدیکی مسجد سادات به محل فعلی آن در نزدیکی سیدمرتضی (سردولاب) شده است، و سومی زلزله سال ۱۳۴۷ شمسی است.

ورود سیلاب به داخل قنات از طریق چاه‌های عمودی و نفوذ ریشه گیاهان در قنات و افتادن حیوانات در آن از عوامل دیگر کمبود آب این قنات می‌باشد. عامل دیگر، وجود بادهای ۱۲۰ روزه سیستان در این منطقه است که باعث ریزش ماسه‌های روان به داخل چاه‌ها شده است و انباشته شدن این ماسه‌ها در مسیر آب باعث بالا آمدن و در نهایت ریزش تونل‌های افقی قنات و در نتیجه مسدود شدن بعضی از مسیرهای قنات شده است. تعداد میله‌های این قنات ۴۵۰ حلقه می باشد. قبل از باز شدن رشته دیسفان ده من زمین در مظهر قنات با ۱/۵ تا ۲ فنجان و در میانه کشتوان با ۲ تا ۳ فنجان و در اراضی دور از مظهر قنات با ۴ تا ۵ فنجان به صورت غرقابی آبیاری می شود. میزان آب آن قبل از باز شدن رشته دیسفان ۱۲۰ لیتر در ثانیه و اکنون به ۱۸۰ لیتر در ثانیه رسیده است.

قنات قصبه مدارش ۲۴ است که هر شبانه روز ۱۷۱ فنجان و در مدار ۴۱۰۴ فنجان می باشد و در سال دارای ۱۵ مدار و ۵ شبانه روز اضافی است که ۱۱ مدار آن سفیدبر (۱۳) و ۴ مدار سبزبر (۱۴) است و در ۵ روز آخر سال به ازای هر ۵ فنجان آب یک فنجان تحویل کشاورزی می گردد. از ۲۴ شبانه‌روز مدار قصبه ۹ شبانه روز آن در کوی نوغاب شرب می گردد و مقدار زمین زیرکشت آن حدود ۱۲۰۰ هکتار است. (۱۵)

آبدهی قنوات ایران

از نظر آبدهی قنوات نیز تمام نواحی مسکونی، حتی آبادیهایی که از آب جاری رودخانه‌های داخلی آبیاری می‌شوند، برای مصرف آب مشروب خود از آب قنات استفاده می نمایند و به همین منظور هر یک از نقاط مسکونی به نسبت جمعیت دارای یک یا چند رشته قنات می باشد. به طوری که اغلب شهرهای مرکزی ایران معمولاً دارای چندین قنات و دهات بزرگ بیش از یک قنات دارند. (۱۶) و برخلاف تصور خیلی ها، احداث قنات در ایران (منظور محدوده سرزمینهای ایرانی که افغانستان، تاجیکستان و ترکستان نیز جزء آن بود)، تنها به بخش های کویر محدود نمی شود. برای مثال: سرتاسر جلگه مرند تا خوی در آذربایجان و نیز دهات کوهستانی اطراف کوه کرکس و نواحی اطراف شیرکوه یزد، دارای قنات هستند. به طور کلی خراسان با ۱۱۰۰ هزار و صد قنات (۱۷) بیشترین قنات را در بین استانهای کشور دارد و مازندران نیز با ۶ قنات کمترین قنات داراست. (۱۸) بایبوردی مقدار کل آبدهی کاریزهای ایران را حدود پانصد هزار لیتر می داند. میزان آبدهی هر قنات از چند لیتر تا چهارصد لیتر در ثانیه و طول، رشته هر کاریز از چند متر تا هفتاد کیلومتر و عمق مادر چاه از چند متر تا چهارصد متر در آثار محققان ذکر گردیده، اگر رشته های قناتهای موجود ایران را در یک رشتهٔ دنبال هم، در نظر آوریم؛ می توانیم بیش از ده بار دور کره زمین را دور بزنیم. (۱۹)

احصائیه قناتهای ایران

اما از نظر تعداد، آمار و احصائیهٔ دقیقی از قنوات دایر و بایر موجود نیست، و به این جهت محققان نظرات مختلفی درباره تعداد رشته کاریزهای ایران می دهند. «بایبوردی» رشته های قنات ایران را پنجاه هزار و «وولف» آن را بیست و دوهزار برآورد کرده است. (۲۰) منابع داخلی نیز تعداد قناتهای ایران را بین ۴۵ تا ۶۰ هزار رشته برآورد کردند که در سرتاسر این دیار پراکنده اند و براساس آمارهایی که در طی سالهای مختلف، در منابع ذکر شده این تناقض مشهود است. از این رو تنها به چند منبع که آمار و احتساب آنها قابل اعتنا است؛ اکتفا می شود:

مؤلف جغرافیای مفصل ایران دربارهٔ آمار و آبدهی قنوات کشور می نویسد:

«تعداد قنواتی که در ایران تاکنون حفر شده به طور تقریب حدود ۴۰ هزار رشته برآورد گردیده برطبق مطالعات بنگاه آبیاری حدود ۱۱٪ آن بایر و باقی که حدود ۳۵۰۰۰ رشته است دایر می باشد. رقم برآوردی تعداد قنات براساس تعداد قراء ایران (۴۱۴۵۷ قریه) به ازای هر قریه یک قنات، از واقعیت دور است. چه بسیار مناطق و نواحی از ایران هستند که به علت وجود آبهای سطح الارضی فراوان (چون سواحل دریای خزر) فاقد قنوات می باشند و یا آنکه در بعضی نقاط به علت عدم وجود شرایط مناسب از لحاظ شیب زمین و موقعیت محل، قناتی احداث نشده است و یا در برخی نواحی دیگر با وجود شرایط مساعد ولی بواسطه وجود آبهای فراوان آبیاری به وسیله رودها انجام می گیرد.

www.noormags.ir

چنانچه در سواحل دریای مازندران از طالش تا گرگان حدود ۴۵۰۰ قریه بدون قنات هستند، در نواحی دیگر چون سیستان و سرخس و گرمسار جمعاً ۲۲۴۳ قریه بدون قنات وجود دارد، در خوزستان بالغ بر ۱۷۰۰ قریه وجود دارد که بدون قنات می باشند. در آذربایجان حدود ۲۰۰۰ قریه فاقد قنات هستند که با توجه به وضع سایر نواحی کشور که بعضی به علت کوهستانی بودن منطقه، باران نسبتاً زیادی دارند و برخی دیگر به علت وجود رودخانه های متعدد احتیاج به آب قنات ندارند؛ می توان رقم قنوات ایران را با احتساب آنکه ممکن است هر قریه یک تا چند رشته قنات داشته باشد. هر یک از روستاهای حواشی کویر و یا روستاهای جزیره ای از چند رشته قنات استفاده می کنند. برابر رقم ۲۴۶۳۶ رشته تخمین زد.

قنوات آبدهی زیاد ندارند، و مقدار آب آنها در محلهای مختلف متفاوت است. میزان بدهی این قناتها به طور متوسط ۲۵ لیتر در ثانیه می باشد و کارشناسان جمع کل آبدهی قناتها را در ایران حدود ۱۹/۵ میلیارد مترمکعب در سال می دانند، چون در سال حدود سه ماه در زمستان از آب قنوات به علت عدم احتیاج جهت آبیاری به مصرف مفید نمی رسد، جمعاً در طول این سه ماه حدود ۴/۹ میلیارد مترمکعب از آن جریان داشته، به هدر می رود و باقی که حدود ۱۴/۶ میلیارد مترمکعب است؛ آماده بهره برداری مفید می باشد، که با احتساب ضایعات آب نظیر تبخیر و یا نفوذ در زمین پس از خارج شدن از مظهر قنات این مقدار کلاً به مصرف مفید نمی رسد، بلکه فقط حدود ۹ میلیارد مترمکعب آن است که به مصرف شرب کشاورزی می رسد.

پراکندگی قنوات نیز به طوری که اشاره شد، در کشور یکسان نیست، قسمت اعظم قنات تا آنجا که مطالعه شده حدود ۱۲۶۵۵ رشته در حوضه های داخلی، من جمله: در جلگه های دشت کویر و دشت نمک قرار دارند، در حالی که حداقل آن در مناطق ساحلی و کناری خصوصاً دریای خزر (در حدود ۱۸۸۶ رشته) واقع است. این اختلاف ناشی از شرایط طبیعی منطقه و نیاز آن منطقه به آب می باشد. وضع پراکندگی قنوات را می توان در دو منطقه (مناطق ساحلی و کناری با تعداد ۵۶۱۵ و آبدهی ۲۰۵۰ میلیون مترمکعب و مناطق داخلی با تعداد ۱۲۶۵۵ قنات و آبدهی ۵۵۰۲ میلیون مترمکعب) مشخص و متمایز کرد.(۲۱)

نشریه ماهیانه بنگاه مستقل آبیاری در نشریه «آب» تعداد قنواتی که قسمتی از مشخصات تقریبی آنها در پرونده های بنگاه مستقل آبیاری جمع آوری شده است به تفکیک و به شرح زیر آورده:

۱. استان	اول	۱۲۷۰ رشته
۲. "	دوم	۳۰۶ "
۳. "	سوم	۱۴۰۸ "
۴. "	چهارم	۱۱۹ "
۵. "	پنجم	۳۹۲ "
۶. "	ششم	۲۶ "
۷. "	هفتم	۱۰ "
۸. "	هشتم	۱۶۱ "
۹. "	نهم	۱۰۳۱ "

مساحت اراضی که بوسیله قنوات در ایران مشروب می شوند، در حدود یک میلیون هکتار تخمین می شود.(۲۲) به طوری که گفته شد، تعداد کل قناتهای ایران را بین ۴۵ تا ۶۰ هزار رشته برآورد می شد که در سراسر این دیار پراکنده بود. ولی براساس آمارهای جدید تعداد قناتهای دایر ۱۸ هزار رشته برآورد شده است. اگر ایران را بر حسب حوضه های آبریز تقسیم کنیم تعداد قناتهای آبده و نسبت آنها در تامین آبهای زیرزمینی به شرح زیر خواهد بود:

حوضه آبریز	تعداد قنات	نسبت در تامین آب زیرزمینی
۱. دریای خزر	۱۸۸۶ رشته	۱۹/۵ درصد
(گیلان، مازندران، شمال و شمال شرق آذربایجان و شمال خراسان)		
۲. دریاچه ارومیه	۱۶۲۶ "	۴۲/۳ درصد
(آذربایجان شرقی و غربی و شمال کردستان)		
۳. خلیج فارس	۲۰۴۳ "	۱۶ درصد
(کردستان، کرمانشاه، لرستان، خوزستان، بوشهر و هرمزگان)		
۴. دریاچه قم	۳۷۶۰	۳۸ درصد
۵. باتلاق گاوخونی و دیگر باتلاق های داخلی	۱۸۳۸ "	۲۸/۸ درصد
۶. کویر مرکزی ولوت	۵۲۰۸ "	۴۲/۲ درصد
۷. دشت های شرقی	۱۵۹۷ "	۲۶ درصد
۸. دریای عمان و باتلاق جازموریان	۳۲۳ "	۲۲ درصد

تا دهه ۱۳۳۰ آب اکثر شهرها و روستاهای ایران از قنات تامین می شد و تا پیش از حفر چاه های عمیق مجموع آبدهی قنات های حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب، در سال بود که به تدریج کاهش یافت و در سال ۱۳۵۶ به حدود ۷/۵ میلیارد مترمکعب رسید.(۲۳)

قنات های ایران از نگاه چند سیاح

کمبود آب و نقش قنات و کاریز از دیرباز نه تنها در نزد ایرانیان محسوس و مورد توجه بوده، بلکه در کمتر نوشته ای از سیاحان خارجی یافت می شود که اشاره ای به این موضوع نداشته باشند. از این رهگذر به ایجاز دیدگاه سیاحان به موضوع آبیاری و قنات را که در سفرنامه هایشان ضبط شده است، بیان می گردد:

اولیویه که در زمان تغییر سلطنت از آقامحمدخان به فتحعلی شاه به ایران

www.noormags.ir

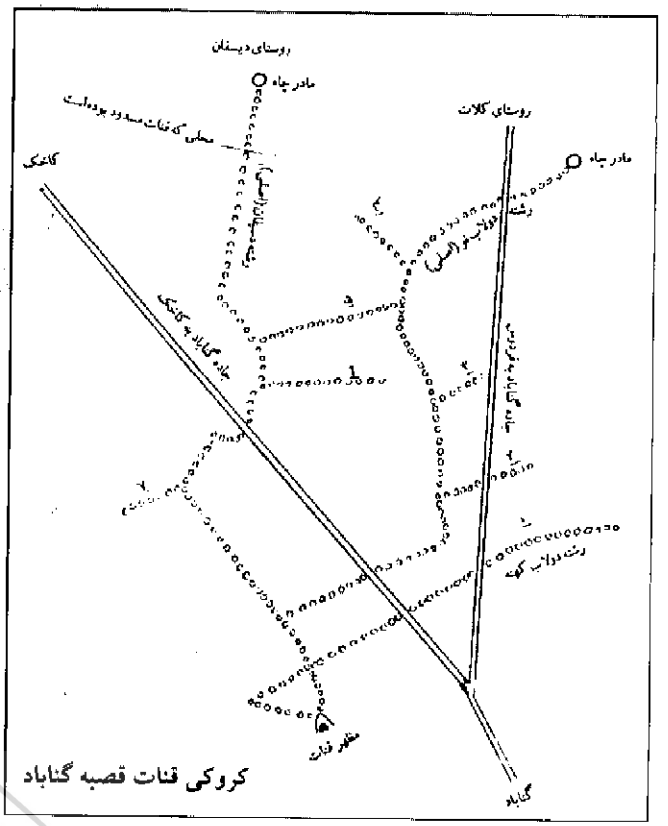

کروکی قنات قصبه گناباد

سفر کرده، دربارهٔ قنوات می نویسد: «در تمامی اراضی و مواضع مسکونی [جایی نیست] که مثل ایران زمین خشک و کم آب داشته باشد. هیچ مکانی به قدر ایران احتیاج به آب ندارد. هیچ مملکتی نیست که در آن قنوات و چاه آب به اندازه‌ای که در ایران باید، در آن بلاد لازم شود، آب هایی که از کوهها در هنگام آب شدن برف ها جاری می شوند، به نهرهایی داخل می شوند که در مواضع لازمه کشیده شده است. توسط این نهرها، اراضی کثیره مشروب شود. این نهرها هم مانند چشمه ها و قنوات به جهت توزیع و تقسیم به قاعده و حساب، مباشری دارد که «میر آب» گویند که به مزارع بزرگران به اندازه احتیاج آنان آب می فرستد و وجه و مقرری را که معین است، دریافت می دارد.

در تنگه کوهها، در هر مکانی که ممکن باشد در جلوی آبهای برف، سدها و بندها می بندند، همچنین آبهای باران بعلاوه آبهای برف به یک جا جمع شده و برکه و دریاچه احداث می شود. به قدر ضرورت از این برکه ها باز می کنند و آب را تا هر جایی که می خواهند، می برند. چون سطح آب متراکم شده و مرتفع می گردد می توانند مواضع مرتفع را که آب نمی گیرد، بدین وسیله آبیاری می کنند.

علاوه بر اینها، در دامنه کوهها و نیز در صحرا و زمین همواره، چاه ها می کنند تا به آب رسد، بعد به واسطه نقبی، این آب را مسافتی پیش برده و چاهی دیگر زده، به سر نقیب [قبلی] می رسانند. آب این چاه را نیز بر آب چاه سابق علاوه کرده، باز نقبی دیگر زده، آب را به مسافتی دورتر می کشانند. همچنان چاه نقب را به قدری مکرر می نمایند تا آب به سطح زمین جاری گردد.

چنان می نماید که [این شیوه آبیاری] از زمان قدیم در ایران معمول بوده است و وسعت و پهنای این کاریزها به اندازه و مقدار کثرت و قلت آب است.

ارتفاع آنها کمتر از هشت یا نه قدم نیست و طول بعضی از این مجراها تا چند فرسخ می رسد. چون سطح آب چنان پست باشد که در مواضعی که خواهند به روی زمین [آب] جاری نشود، در این صورت به ناچار «گاوچاه» ساخته و به استعانت عمله یا گاو یا الاغ آب را با مشک بیرون آورده به روی زمین جاری کنند.

اهالی قدیم ایران به واسطه این کاریزها، آب را به مواضعی که مرتفع بوده و آب به آنها نمی رسید، می رساندند. لهذا هیچ محلی را در ایران لم یزرع نمی گذاشتند. اما انقلابات داخلی که از استیلای افاغنه به بعد در ایران حادث شد، سبب کم شدن نفوس و خرابی املاک و انباشته شدن مجاریهای قنوات و بریده شدن بندها و نهرها گردید. امروز به قدر ربع آنچه در ایام سالفه =[مونث سالف = گذشته] در ایران زراعت می شد، نیست(۲۴)».

اس.جی. دیبلو بنجامین نیز که در زمستان ۱۸۸۳.۲ میلادی به ایران ماءمور شده است، در سفرنامه اش می نویسد: «... قبل از هر چیزی باید گفت که در دنیا کمتر کشور متمدنی پیدا می شود که به اندازه ایران دچار کمبود از نظر آب و چوب باشد، و طبیعت از این نظر به ایران خیلی ظلم کرده است و یک نفر خارجی به این کمبود آب، وقتی حوض ها و استخرهای پر از آب را در تهران مشاهده می کند؛ دچار تعجب می شود. فصل زمستان که معمولاً کوتاه و زودگذر است، باران و برف کمی در تهران می بارد که محصول غله و رامین که باید خوراک اهالی تهران را تامین کند، بستگی به مقدار این بارندگی دارد.

در بقیه اوقات سال اصلاً بارندگی نمی شود. مگر در قله کوهها و ارتفاعات. حالا سؤالی که در این جا پیش می آید، این است که، در این صورت آب تهران چگونه تامین می شود؟ با این سؤال به سادگی نمی توان جواب داد که با حفر چاه. زیرا با کمی بارندگی چاه ها باید خیلی عمیق باشند تا به آب برسند. در هر حال برفهای کوه ها به تدریج آب شده و نهرهای کوچکی را تشکیل می دهند که از کوه ها سرازیر می شود و یا در زمین فرو می روند و به شکل چشمه و منابع زیرزمین در می آیند. آب این چشمه ها و منابع زیرزمینی را که در اعماق کمی از دامنه های کوه ها قرار دارند، به وسیله سیستم قنات به شهر می رسانند. قناتها مجاری زیرزمینی هستند که در هر هشتاد یارد فاصله چاهی در مسیر آنها کنده اند که به وسیله این چاه ها آب آنها را به طرف شهر هدایت کرده و در صورت لزوم مجرای آب را لایروبی می کنند. خاک این چاه های قنات را در اطراف دهانه آنها می ریزند و بدین ترتیب خاکریزهایی به فواصل معین از یکدیگر، به وجود می آید که مسیر قنات را مشخص می کند.... آبی که بدین ترتیب به دست می آید، البته گرانست و شهرنشینان باید آن را برای شرب یا مصارف دیگر بخرند و در هر ماهه مبلغی بابت آن بپردازند.(۲۵)

«دی رایدر» نیز در کتاب خود راجع به برنامه‌ریزی سیستم جدید آبیاری

www.noormags.ir

دشت ورامین می نویسد: «کاریز یا قنات یکی از برجسته ترین اثرات مهندسی گذشته می باشد، اگر ما زمان لازم برای ساختمان یک کاریز و میزان خاک جابه جا شده را در نظر بگیریم؛ در مقابل این کار بشر شگفت زده خواهیم شد. قنات دارای منافع و مضار مربوط به خود می باشد. از منافع آن باید کنترل سطح آب زیرزمینی و شوری خاک را نام برد و به همین دلیل هم در دشت ورامین مساءلهٔ زهکشی و شوری خاک وجود ندارد. از مضار کاریز تخلیه آب زیرزمینی در مواقع عدم احتیاج به آن است.(۲۶)» و اما از آن جایی که سعی نگارنده بر آن است که در این مقاله صرفاً به بررسی قنوات شهرستان قزوین بپردازم، لذا برای پرهیز از اطاله کلام از نگارش درباره قناتهای کشور خودداری و فقط به اختصار وضعیت آب و قنوات قزوین را بررسی و بیان خواهیم کرد.

وضعیت آب قزوین از منظر منابع و مآخذ

میراث مکتوب به جای مانده از پیشینیان ما بیانگر آن است که شهر قزوین نیز همانند سایر نقاط داخلی ایران همواره با کمبود آب مواجه بوده و این مشکل اساسی شهر نامبرده در طی اعصار و ادوار مختلف، محسوس بوده، از این رو مآخذ هر دوره را به مدد گرفته و در این مقال گزیده‌ای از آنچه که در منابع هر دوره آمده، همچنین از تلاش و چاره‌اندیشی برای رفع این معضل که منجر به ساخت قنواتی گردیده، مطالبی را به اختصار آورده ایم:

کتاب «اَلْبُلدان» یعقوبی که در قرن سوم هجری تالیف شده است، یکی از کهن ترین و بهترین کتب جغرافیایی است که از دیرباز مورد توجه جغرافیانویسان ایرانی و عرب بوده است. در ذیل مطالب مربوط به قزوین و زنجان در این باره می نویسد: «... قزوین از جاده منحرف است و در پای کوهی هم مرز دیلم واقع شده و آن را دو رودخانه است که یکی از آن دو «وادی کبیر» و دیگری «وادی سیرم» گفته می شود و در ایام زمستان آب در آن دو جریان دارد و در ایام تابستان قطع می شود...(۲۷)».

ابواسحاق ابراهیم بن محمدالفارسی اصطخری معروف به کرخی (متوفی به سال ۳۴۶ ه.ق) نیز در «مسالک و ممالک» می نویسد:

«قزوین شهری بزرگ است، شارستان و حصار دارد، و آب روان بیش از آن ندارند، خوردن را کفایت بود. لیکن باغها و بوستانها و کشتمندی آب فراوان بود و از آن جا بادام و مویز بسیار خیزد و گلیم های بُزوشم(۲۸) یعنی مرعز نیکو بافند».(۲۹)

در کتاب مجهول المؤلف «حدودالعالم» که دربارهٔ جغرافیای عمومی در سال ۳۷۲ ه.ق. تالیف شده و به امیر ابوالحارث محمدبن احمد از سلسله فریغونیان که در گوزگانان (سمت شمالی افغانستان کنونی) حکمرانی داشته‌اند اهدا گردیده است و در سال ۶۵۶ ه.ق. به دست ابوالمؤید عبدالقیوم بن

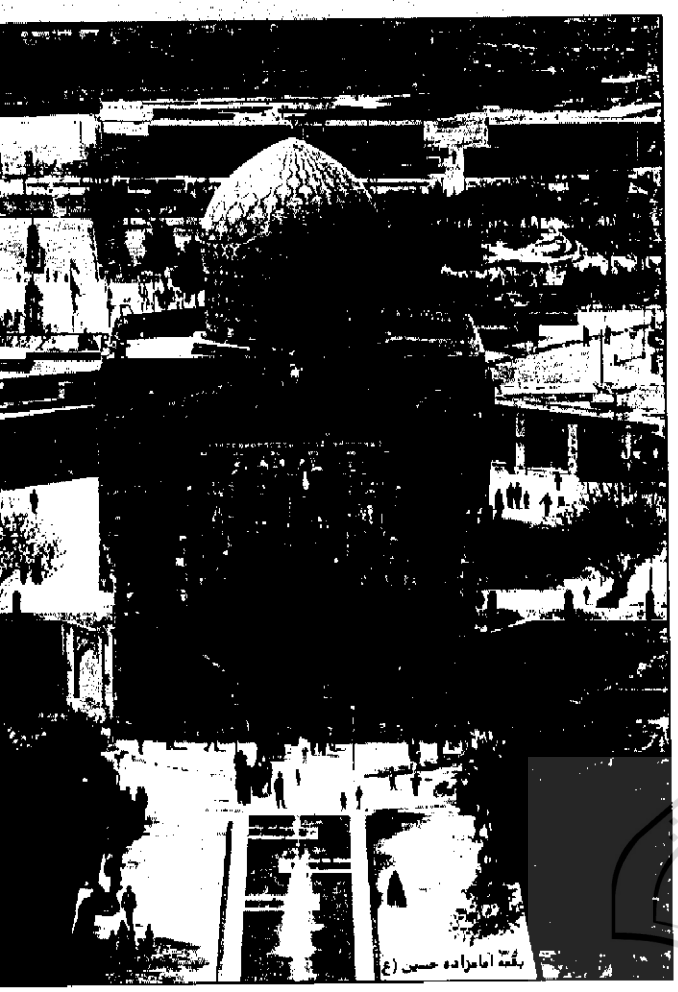
بقعهٔ امامزاده حسین (ع)

علی الفارسی استنساخ شده دربارهٔ آب و هوای قزوین آمده است:

«قزوین [شهریست] از گردوی باره و ایشان رایکی جوی آبست، کی اندر میان مزگت جامع گذرد و چندانست کسی بخورد و مردمانی .... آنجا میوه نیکو باشد».(۳۰)

عمادبن زکریابن محمدبن محمود قزوینی (متوفی ۶۸۲ ه.ق)، در کتاب «آثارالبلاد و اخبارالعباد» درباره آب کشاورزی و شرب شهر قزوین می نویسد: «باغات قزوین، سالی یک بار آب خورند و انگور و میوه دهند و گاه باشد که سالی یک بار هم آب نخورد. باز در این کتاب نقل شده است: نسبت دارد شیخ ابوالقاسم بن هبه‌الله کمونی، دانشمندی پرهیزکار و زاهد از فرزندان انس بن مالک می بود. می گوید که در زمان او، کارگزاری به قزوین آمد. در قزوین، دو روده سیل گیر هست که تاکستانهای آن شهر را آب می دهد و هر دو آزادند (در تملک کسی نیست) این کارگزار تازه وارد، خواست بر این دره خراج نهند؛ مردم قزوین به این پیر، شکایت بردند و او به خانه کارگزار رفته به پرده‌دار گفت: این آب همیشه آزاد بوده است. فروختن آن، روا نیست. صاحبان این تاکستانها بیوه زنان و یتیمانند و تاکستانها، کم محصول و در سال، یک آبشخور دارند که درآمد آن به این خراج نمی رسد. پرده‌دار به نزد کارگزار رفت و گفت: در این جا پیری هست که مانع پیشبرد کار ما می باشد. وی خشمگین شده شمشیر کشیده با شمشیر آخته بیرون آمد و گفت: کیست که از فروختن آب

www.noormags.ir

جلوگیری می کند؟ پیر برخاست و گفت: منم، کارگزار برگشت، و به اندرون رفت و گفت: آنچه این پیر، دستور می دهد، انجام دهید. زیرا هنگامی که از جا برخاست، من دو اژدها دیدم که از سمت راست و چپ او، به من یورش آوردند و تصمیم من عوض شد. آن آب تا حالا نیز آزاد است. این پیر جد پنجم من است.(۳۱)

سیف الدوله سلطان محمدمیرزا از شاهزادگان قاجار و از فرزندان فتحعلی شاه قاجار نیز که در سال ۱۲۷۹ه.ق. به عزم زیارت خانه خدا از تهران حرکت کرده، در مسیر راه خود به قزوین، در کتابش «سفرنامه سیف الدوله» معروف به سفرنامه مکه، درباره وضعیت کشاورزی، آب و آبیاری در این شهر می نویسد: «این شهر بسیار کم آب است. بیشتر زراعت این ولایت دیم است و آبش از قنات. رودی دارد که در فصل بهار جاری است. اطراف شهر باغستان زیاد دارد. همه دیم. انگور و پسته اش بسیار است و خوب، هندوانه اش دیم است. نخود و عدس این ولایت در ایران مشهور است. بلوکات آباد خوب دارد.(۳۲)

محمدتقی خان حکیم، در کتاب «گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران»، ضمن بررسی جغرافیای تاریخی شهرهای ایران و شهر قزوین درباره کشاورزی و آب این شهر می نویسد: «شهری است از هر جهت آراسته، خوش آب و هوا، ولایتی است کم آب، زراعتش دیمی، پسته اش خوب و وافر. اکنون نسبت به پیش خرابه اش زیاد، عمارات سلطنتی از بعضی سلاطین به یادگار دارد».(۳۳)

همچنین خانم کارلا سرنا، نویسنده و جهانگرد قرن نوزدهم که در ماه نوامبر سال ۱۸۷۷م. مطابق با شعبان ۱۲۹۴ه. ق. = عقرب (آبان) ۱۲۵۶ه.ش مقارن با سی امین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از طریق دریای خزر، به ایران آمده، در مسیر عبور خود از قزوین درباره آب و آبیاری این شهر آورده است: «با وجود آب، [کم] زمینهای قزوین حاصلخیز است. سالی یک بار دشت قزوین از طغیان رودخانه ها در هنگام آب شدن برفها، اشباع آبیاری می شود».(۳۴)

سابقه قنوات قزوین به استناد تاریخ گزیده

به طوری که ذکر شد: در تاریخ ایران کم آبی پاره‌ای از بلوکات، بخصوص شهر قزوین معروف و نویسندگان به کرات کمبود آب کشاورزی و شرب آن در آثار مکتوب خود، یادآور شده اند. اما گذشتگان این خطه نیز در صدد چاره اندیشی برآمده و همانند سایر آحاد مردم ایران زمین، با همتی والا و تلاشی خستگی ناپذیر مبادرت به احداث و ایجاد قنوات کرده اند که به احتمال سابقه تاریخی قنوات قزوین به قدمت اقصی نقاط این دیار نیست، زیرا در منابع تاریخی، بخصوص به موجب شهادت مؤلف «تاریخ گزیده»(۳۵). قرن هفتم .احداث قنات در این شهر، از زمان سلطان محمود سبکتکین بوده و حمدالله مستوفی در فصل چهارم از باب ششم ماخذ یادشده درباره رودخانه ها و قنوات قزوین، چنین مرقوم داشته است: «... اما وادیها آب رودخانه های آن از برفست و اندکی چشمه ها اندکند. به شهر نتوانند رسید. پنج رودخانه است. اما قنوات کاریز آن، آن کاریز بیرون مبارک آباد که ملک سعید افتخارالدین طاب ثراه اخراج کرد و با باغ بر خوابگاه خود وقف گردانیده، تمامت سبیل است و هیچ ملکی نیست. اول در قزوین کاریز نبوده است و آب از چاه می خورده اند و چاه آن جا از صد گز فرو رود. حمزه بن الیسمع که حاکم قم بود و سلطان محمود بن سبکتکین قزوین نیز بدو داد، کاریزی اخراج کرد و در جامع روان بود و به اکثریت محلات می رسید و اکنون هست. دوم طنفوری.(۳۶) سوم رودباری. چهارم سیدی بر محله سیدی. پنجم خاتونی،(۳۷) ششم خمارتاشی (۳۸) به اکثرت محلات شهر قزوین جاری است و مدار شهر اکنون بر آن است. هفتم صاحبی به محلات ابهر.(۳۹) هشتم ملکی به محلات ابهر و ارزق و اوری ملک سعید امام الدین یحیی النجاری رحمه الله علیه اخراج آب این کاریزها کرد تا به جهت خوردن و ریختن و حمامات دربانست باشد به باغات و زراعت بردن به موجب شروط واقفان روا نیست.(۴۰)

قنوات قزوین به نقل از کتاب مینودر

به طوری که گذشت، با آن که رودخانه «دیزج» و «ارنزک» در دو طرف شرق و غرب قزوین جاری هستند، ولی به علت آن که در تابستان دچار کم آبی می شود، تکافوی آب مورد نیاز شهر را نمی کرده و مورخین و سیاحانی که قزوین قدیم را دیده اند، از آن به عنوان شهری کم آب نام برده اند.

بنابراین از قرن پنجم هجری حکام و افراد خیّر برای رفع کم آبی به حفر قنوات اقدام کرده اند. مانند قناتی که «حمزه بن الیسع» حاکم قزوین در زمان سلطان محمود سبکتکین ایجاد نمود و آن اولین قنات قزوین شناخته شده است و قنات «طیفوریه»، «طرخانیه»، «مطابادیه» و «خمارتاشیه»، «زرادیه»، «سیدیه»، «خاتونیه» و قنات «صاحب حسن»، از دیگر قنوات معروف قزوین بوده اند.(۴۱)

اما درباره قناتهای قزوین در دهه سی، قرن چهاردهم شمسی، در کتاب «مینودر» اطلاعات جامعی آمده که آقای پرویز ورجاوند خلاصه ای از آن را در کتاب ارزشمند «سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین» آورده اند. از این رو برای سهولت در دستیابی، بدون کم و کاستی آن را نقل می کنیم:

www.noormags.ir

«صرف تنقیه قنات از نوکن و پودکش و لات روب نماید...» و در جای دیگر چنین آمده «... از فوق کعبره قنات تا اصل میخه که آب مزبور از آنجا برآمد و جاری گردیده الی منتهای قنات که اصل کعبره است».(۴۲)

قنات حاتم‌بیگ و خاتونی

چون آب این دو قنات کم است و به شهر نمی‌رسد هر دو را روی هم می‌اندازند و به شهر می‌آورند. مادر چاه قنات حاتم‌بیگ در اراضی بارجین و خاتونی جنب «باغ موثق» است. هر دو در شمال شرقی شهر واقع شده‌اند. مسافت اولی تا شهر شش کیلومتر و دومی کمتر از دو کیلومتر است که از آنجا به کشتارگاه می‌آید و از پشت باغ شهرداری می‌گذرد و در اول خیابان عدل آفتابی می‌شود. آب این دو قنات به سبکی و خوشگواری از دیگر آبهای قزوین ممتاز است و مقدار آب آنها در بهار پنج سنگ و در تابستان ده سیر می‌باشد و وقف است به محله پنبه‌ریسه. این قنات را در ۱۲۰۱ هجری مرحوم «میرزاابوالقاسم طبیب» تعمیر نمود. پس از آنکه روسها جادهٔ شوسه پهلوی (انزلی) و تهران و همدان را ساختند؛ در محل باغشاه که نزدیک دروازهٔ پنبه‌ریسه بود عماراتی برای ادارهٔ توقفگاه مامورین و مهندسین و کارکنان راه شوسه بنا کردند و آنجا را کانتور نامیدند. ضمناً قنات حاتم‌بیگ و خاتونی را تعمیر نمودند و سر آن را پوشاندند که دست نخورد و برجی بنا کردند و از آب این قنات در داخل کانتور برای

قناتهای دایر:

قنات آخوند

برطبق وقفنامه نام این قنات «نوک» است. نام پیشین محلهٔ آخوند که یکی از محلات قدیمی قزوین است، «بُندرخت» بوده است. به مناسبت اقامت آخوند ملاخلیلا، در این محل به آن نام خوانده شده است. برخی نیز ایجاد و یا لایروبی و باز زنده‌سازی این قنات را مربوط به آخوند ملاخلیلا می‌دانند. می‌گویند او با پولی که نادر در اختیار او می‌گذارد، این مهم را برای رفع مشکل کم‌آبی شهر انجام می‌دهد. آبده این قنات در اراضی «وشته» و «زویار» در شش کیلومتری شمال غربی شهر واقع شده و مظهرش در انتهای جنوبی شهر در نقطه موسوم به «باغ معبنات» (متصل به باغ آخوند) که به باروی جنوبی شهر طرف مغلاوک اتصال داشته، قرار دارد. مادر چاه این قنات در حدود پنجاه متر است که در زیر «وشته» سه شاخه می‌شود. شاخه زیر سوی آن از وشته آقامحمدی و وشته شهبازخانی شروع می‌شود و پس از طی نزدیک به یک کیلومتر به سرسو می‌پیوندد و شاخه سر سو از راه «باتمجین» به «بادامستان» غیاث‌آباد می‌آید و در آنجا به زیرسو می‌ریزد. آنگاه از بلوک «احمدخان» و «سرآتش» و در امتداد شهر بندجاری می‌شود و به شهر می‌رسد و از «شیرین آباد» و «صوفی استان» و «اگری کوچه» و خیابان تبریز می‌گذرد و به کوچه «حاج چمن»ها می‌رسد که در قدیم مظهر آن در این نقطه بوده است. لیکن اکنون به طرف محلهٔ آخوند سیر می‌کند و چون بسیار گوداست در بیرون شهر در باغ معبنات آفتابی می‌شود. آب کنونی آن، به مقدار یک چهارم سنگ است که می‌گویند با صرف سیصدهزار ریال ممکن است؛ آب آن تا سه سنگ افزایش یابد. این قنات را «خدیجه خانم دختر خواجه بدیعا» ذکر کرده‌اند. و وقف‌نامه‌ای راجع به این قنات موجود است که اصل آن نزد مرحوم میرزامحمدحسین محلهٔ آخوندی طالب‌تراه بوده که از علمای پرهیزکار و زهاد عصر خود به شمار می‌آمده است.

شادروان گلریز متن وقف‌نامه را از روی رونوشت آن که در سال ۱۳۳۸ ه.ق. به امضای چند تن از علما رسیده به طور کامل نقل کرده است. تاریخ وقفنامه سال ۴۵۴ ه.ق. ذکر شده است که با توجه به انشای آن از یک سو و اینکه امام رافعی و حمدالله مستوفی هیچ گونه اشاره‌ای به این قنات نکرده‌اند نمی‌تواند تاریخ صحیحی باشد.

در وقفنامه مزبور قنات به نام قدیمی‌تر آن یعنی قنات «نوک» نامیده شده و محله‌هایی که حق استفاده از آن را داشته‌اند؛ عبارت بوده‌اند از: محله «ریگزار» (که بعدها به ترکی «قملاق» و امروز به محلهٔ «آخوند» معروف است) و دیگری «چینی‌بندان» یا مغلاوک. در وقفنامه، نام بخشهای مختلف قنات که باید لایروبی شوند چنین یاد شده است:

www.noormags.ir

مصارف خود استفاده می کردند و به محله پنبه ریسه آب کمتر می رسید. آب این دو قنات در حال حاضر بیشتر صرف آبیاری خانه های محلهٔ پنبه ریسه می شود.

قنات خیابان

بانی این قنات را «شاه عباس ثانی» ذکر کرده اند. قنات نامبرده از مهمترین قنوات قزوین به شمار می رود. آبده آن در قریه «اک» واقع در پانزده کیلومتری شمال غربی قزوین است به قولی هشت سنگ و به قولی چهارسنگ از رودخانهٔ «دلی چای» که سرچشمه اصلی آن در قریهٔ «خراس» است؛ حقابه دارد که همه جا روباز تا اک می آید و در آنجا با قنات «اک» توام می شود و جریان می یابد و به محمودآباد می رسد. در محمودآباد به قولی تمام آب «شاریس» و به قولی هشت سنگ از آب شاریس که متعلق به شهر است؛ بدان می پیوندد و همچنان روباز می آید، تا محاذی خرمنهای قریهٔ ناصرآباد. در آنجا داخل شترگلو می شود و از زیرزمین جریان می یابد و از بلوکات احمدخان و میرزارضا خان و مجیدآباد می گذرد و در پشت باغ سپهسالار به سمت خیابان فردوسی (کوچه باغ سابق) تغییر جهت می دهد و در برابر عمارت چهل ستون و اول خیابان شاهپور آفتابی می شود. از اینجا شاخه ای به طرف بلاغی می رود که مشروبین مخصوصی دارد. رشتهٔ دیگری به سمت خیابان سپه جاری می شود و در امتداد خیابان مزبور به طرف جنوب تا میدان راه آهن جریان می یابد و خانه های این ناحیه را مشروب می نماید.

آب این قنات در قریه «اک» پنج سنگ است. چون نهرش روباز و آفتابی است تا شهر راه درازی را می پیماید، با آنکه در اوایل تابستان هشت سنگ آب دلی چای و هشت سنگ از آب شاریس حقابه دارد که به قنات خیابان افزوده می شود. معذلک از این همه آب بیش از یک سنگ به شهر نمی رسد. آب این قنات وقف به محله خیابان و ساختمانها و عمارات دولتی قزوین است.

قنات آقاجمالی

آبده این قنات به فاصلهٔ سه کیلومتر در شمال شرق قزوین در زمینهای باقرآباد قرار دارد و در سطح رودخانه ارنزک یا آسیاب جوی واقع شده؛ مظهر آن نیز در همین اراضی و نزدیک باغ موثق است. آبش اکنون نیم سنگ یا یک چارک می باشد و اختصاص به سبزیکار آقاجمالی دارد که وقف آستانهٔ قدس رضوی می باشد، و تصدی عمل وقف با حکومت عصر است. اکنون سبزیکار مزبور را که حکم آباد معروف است، دولت خریداری کرده و لابد این قنات هم به دولت انتقال یافته است. می گویند: با صرف دویست هزار ریال ممکن است آب این قنات را دو برابر کرد. آب این قنات با حقابه ای که سبزیکار آقاجمالی از رودخانهٔ آسیاب جوی دارد در زیر باغ موثق یکی می شود و سبزیکار را آبیاری می کند.

قنات حلال آب

این قنات ملکی است، آبده آن به فاصله ده کیلومتر در اراضی «زویار» واقع در شمال غربی شهر است و دارای چهار شاخه است. شاخهٔ اصلی به «ارس آباد» می آید و از ارس آباد تا تپه زویار که تقریباً دوکیلومتر است، سه شاخه می باشد، از تپه زویار مستقیماً به طرف شرق جریان می یابد و از محاذات بلوک قنادی می گذرد و بیرون دروازهٔ دربکوشک و شمال باغ «سپهسالار» آفتابی می شود و به شهر می رود. سابقاً در بهار به اندازهٔ پنج سنگ آب داشت. ولی در تابستان به یک سنگ ونیم و یک سنگ تقلیل می یافت. اکنون مقدار آن را کمتر ذکر می کنند. گفته می شود با صرف دویست هزار ریال می توان آب آن را به دوبرابر افزود. آب این قنات که ملکی است روی طومار و تقسیم نامه به دوره های معینی یک قسمت از خانه های محله دربکوشک را تا خیابان پهلوی (سابق) آبیاری می نماید.

قنات خمارتاش

آبده این قنات به فاصلهٔ ده کیلومتر در شمال باختری قزوین و عبارت از دو رشته شاخه زیرسوی این قنات در «امامزاده سیدناصرالدین محمد» از «ناصرآباد» می آید. رودخانهٔ «زویار» شاخهٔ سرسوی آن نیز از راه «باتمجین» به جانب رودخانهٔ زویار جریان می یابد و در آنجا به یکدیگر متصل می شوند و از آنجا در امتداد جاده زویار به «دروازهٔ گوسفند میدان» می رسد و داخل شهر می شود. آنگاه از خیابان پهلوی و کوچه رفیعی و محلهٔ «دیمج» و مدرسهٔ «صالحیه» و بازار و حمام «جلودار» و «محلهٔ سکه شریحان» و «مسجد جامع کبیر» می گذرد و در «باغ گیلاس» جنوب شهر و بیرون دروازهٔ شهزاده حسین، نزدیک به تل معروف به «میمون دژ» یا «میمون قلعه»(۴۳) آفتابی می شود. این قنات به مراتب از قنات آخوند گودتر است. چنان که در شهر از هر جا که عبور می کند لااقل باید بیست پله پایین بروند تا بتوانند آب بردارند.

قنوات قزوین سوای قنات خمارتاش و آخوند که قعری هستند، مابقی هوابین می باشند. عمق مادرچاه قنات خمارتاش چهل تا پنجاه زرع است. در این قنات نیز مانند سایر قنوات از پاکنه و آبخوره و شق نهر خودداری نشده و بدین وسایل از آب قنات استفاده می نمودند و اقدامی به تعمیر آن هم نمی کردند نتیجتاً در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی، این قنات به کلی خراب و منطمس گردید. در این وقت به تشویق دانشمند پارسا شادروان آقاسیدمحمد جزمه ای طاب ثراه و با کمکهای مادی و معنوی حاج احمد ارجمندی و حاج غلامحسین و

www.noormags.ir

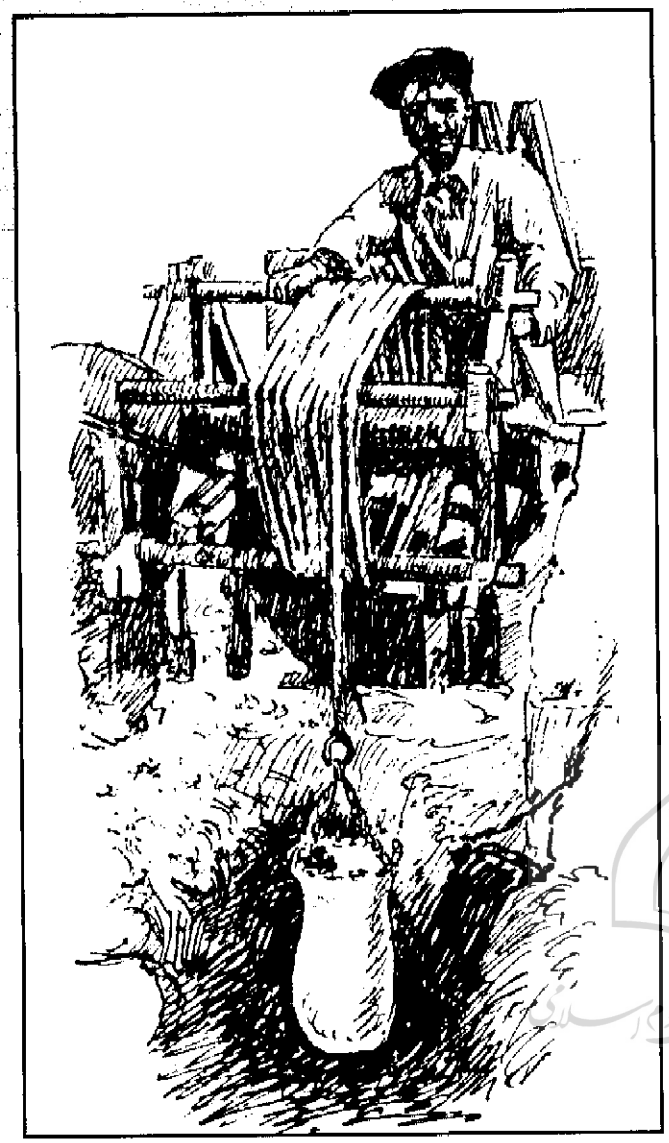

حاج اسماعیل و میرزا شریف متولی مسجد جامع، بالغ بر پنجاه هزار ریال صرف تعمیر این قنات شد و آب آن جاری گردید. با آنکه مقدار آب آن افزایش یافته ولی اکنون گفته می شود که بیش از یک چارک آب ندارد. بانی این قنات بهشت آرامگاه امیرزاهد خمارتاش بن عبدالله عمادی طیب الله تربته عماد علماءالدوله از امرای دوران سلطان ملکشاه سلجوقی است و این اثر خیر را در آغاز سده ششم بنیاد گذارده و دوازده هزار دینار صرف احداث آن نموده است. آب آن وقف است به محلات «گوسفند میدان»، «دیمج»، «سکه شریحان»، «دباغان» و «پایین محله».

قنات میرزارسولی

آبده این قنات در زمینهای بارجین شش کیلومتری شمال خاوری شهر است. و پدیده آن در زمینهای باقرآباد. آبش سه تا چهار سیر بیشتر نیست. از این رو آب آن را روی قنات آقاجمالی می اندازند و به سبزیکاری می برند.

قنات شاه

آبده قنات مزبور در شش کیلومتری شمال شهر در زمینهای اکبرآباد و جنب آسیاب نهم است و پدیده‌اش در محلهٔ دیمه روبروی حمام شهید قرار دارد.

شاخهٔ سرسوی این قنات از آسیاب دهم جاری می شود و چون به یک صدمتری میل دوم می رسد؛ به زیرسو می ریزد. شاخهٔ زیرسو از میل دوم و وصل به «شهربند»(۴۴) آغاز می شود و پس از اتصال با سرسو مستقیماً به سمت شهر جاری می گردد و بعد از گذشتن از باغهای هادی آباد و رزبان و برج شهر از خانه های شیخ آباد (جلوی مسجد احمدبیگ) خیابان شیخ. خیابان سعدی و بازارچه آقا می گذرد، و وارد خیابان پهلوی می شود و هر سه رشته اصلی تا خیابان مولوی جریان می یابد. آنگاه یک شاخهٔ آن قسمت نجار کوچه و محلات «قملاق» و دیمج و آب انبارهای وقفی طرفین خیابان مولوی را مشروب می کند و جلوی حمام شهید، آفتابی می شود.

شاخهٔ دیگر به سمت غرب جاری می شود و کوچهٔ حاج سیدابوالحسن رفیعی و حمام سردار را سیراب می نماید. شاخهٔ سوم به طرف سرای سعدالسلطنه (سرای سعادت) و بازارچهٔ وزیر و کوچهٔ حاج سیدجوادیها و محلهٔ سکه شریحان جریان می یابد و خانه های آن حدود را آبیاری می کند. آب این قنات در بهار چهار تا پنج سنگ است و در تابستان یک سنگ. به نظر مطلعین با صرف صدهزار ریال ممکن است آب آن را دوبرابر کرد. آب قنات شاه وقف بر محلات دیمج. قملاق (ریگزار) سکه شریحان و گوسفند میدان است.

قنات طیفوری

این قنات را مصطلحاً «کیفوری» تلفظ می کنند. آن هم مانند خمارتاش و خاتونی از قنوات قدیمی است که امام رافعی در تدوین و حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده از آن نام می برند. آبده آن در شش کیلومتری شمال شهر، در زمینهای «غیاث آباد» مقابل آسیاب هشتم است. شاخه های آبده این قنات را هشت رشته ذکر می کردند. ولی اکنون بیش از پنج شاخه نمی دانند، بدین قرار:

دوشاخه از «وشته» و یک شاخه از «شوره دره» و یک شاخه از «غیاث آباد» و یک شاخه از کنار رودخانه نزدیک قنات شاه. این قنات چون از مجرای رودخانه عبور می کند، در بهار آبش متجاوز از ده سنگ است به همین مناسبت بیرون دروازه در بکوشک دربندی دارد که هنگام افزایش آب اضافه آن از رودخانهٔ پشت بدنه و خندق شمالی شهر به طرف شرق می رود و به اندازهٔ یک سنگ به شهر جاری است و در برابر عالی قاپی در خیابان سپه آفتابی می شود. در تابستان آب این قنات یک سنگ است. اظهار عقیده می شود که با صرف پانصدهزار ریال می توان آب آن را تا چهارسنگ افزایش داد. آب این قنات بر

www.noormags.ir

قسمتی از محلهٔ دربکوشک و قسمتی از محلهٔ خیابان وقف است.

قناتهایی که بایر یا در حکم بایر است

قنات قوللرآقاسی

آبده این قنات در شمال شهر در زمینهای بارجین و پدیده آن در آبخوره واقع در باغ سردار که اکنون ملک کاظم بازرگان می باشد قرار دارد.

این قنات را حاج سیدمحمد صدرالصدوری ملقب به صدرالاسلام تصرف کرده و به نصرالله شهیدی فروخته است. مظهر جدیدش «باغ خانقاه» وصل به «مصلی» بیرون دروازه دربکوشک است چون جلوی آن را گرفتند؛ آبش کسر شد و با آنکه کار کرده‌اند، اما آبی روان نگردیده است.

قنات شیخ احمدی

آبده آن در شش کیلومتری شمال خاوری قزوین در زمینهای بارجین یا زیر نجف آباد واقع شده .پدیده‌اش سابقاً در دروازهٔ تهران بود .صدرالاسلام سابق‌الذکر این قنات را به ثبت داد و تصرف کرد و هزینهٔ بسیاری در آن کرد، به این معنی که چهار دانگ از قریهٔ معمور «حسن آباد کله» را که مالک بود، فروخت و پول آن را صرف این قنات کرد و خواست آب آن را به زمینهای «خاک آباد» واقع در خاور رودخانهٔ «کندل» و شمال خاوری شهر بیاورد و مجرای آن را از رودخانهٔ کندل گذرانید. ولی نتیجه‌ای نگرفت و بیش از چهار تا پنج سیر آب به دست نیامد و چون مجرای قنات را زیر رودخانه گذرانده‌اند غالباً نشست می کند و مسدود می شود خلاصه هم قریه حسن آباد از دستش رفت و هم آبی به دست نیاورد.

قنات میرزاعلی اصغرخانی

آبده آن زمینهای زویار و میانچال ده کیلومتری شمال باختری شهر است که به طول چهارکیلومتر ونیم تا باغهای رزبان و از آنجا به سمت شرق امتداد می یابد و به شهر می رسد .پدیده‌اش در محلهٔ دربکوشک نزدیک «سنگ پانزده» است. در ۱۳۱۵ شمسی آب قابلی نداشت و می گفتند با صرف صدهزار ریال می توان آب آن را تا دو سنگ افزود. ولی بعدها سیصدوپنجاه هزار ریال از طرف اعلیحضرت برای تعمیر قنات داده شد؛ ولی نتیجه به دست نیامد. متصدیان امر گفتند: مبلغ مزبور کافی نبود و تعمیر نیمه کاره ماند و به ثمر نرسید .به جز قنوات مذکور در فوق قنوات دیگری هم وجود دارد که چون آبده و پدیده آنها نامعلوم است، از ذکرشان چشم می پوشم.(۴۵)

اسناد و گزارش تیگران درباره قنوات قزوین

اما علاوه بر اطلاعات کافی و وافی که در کتاب مینودر و سیمای تاریخی قزوین آمده، کم آبی سالهای ۱۳۰۲.۱۳۰۴ ش. در این شهر باعث گردید که صاحب منصبان شهر بار دیگر جهت جبران این نقیصه رویکردی دوباره به مآخذ، بخصوص تاریخ گزیده داشته باشند و با احیای قنوات که نامی از آن در این مآخذ ذکر شده بپردازند که حاصل آن اسناد و گزارش .تیگران .کفیل مالیه قزوین .است که به شماره ۲۴۰۰۱۰۶۹۹ و محل نگهداری در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اسناد، با کد: ۴۰۷ط ۱الف الف ۱-حفظ و نگهداری می شود و از آن جایی که دارای اطلاعات ذی‌قیمتی بوده شالوده این مقاله گردیده است. سعی نگارنده بر آن است از این گنجینه، تحفه‌ای را که درخور بهره جستن، احیاء و سازندگی کشورم ایران است، ارائه دهم. ان شاءالله مفید فایده باشد و حقیر به وظیفه‌ام عمل کرده باشم.

خدایا چنان کن سرانجام کار
تو خشنود باشی و مارستگار
(نظامی)

رونوشت اسناد و گزارش :

سند شماره ۱

وزارت مالیه

ریاست محترم کل مالیه .محترماً معروض می دارد: در تاریخ ایران، کم آبی پاره‌ای از بلوکات حاصل خیز قزوین خصوصاً خود شهر معروف، و نویسندگان زمان مکرر آن را در نوشتجات خود مذکور و مجسم داشته‌اند. نظر به اینکه جلگه قزوین بواسطه دامنه های سلسله البرز احاطه شده است، آبهای آن جا مدت است که از زه آبهای دائمی که در قدیم برخی از بلوکات را مبدل به باتلاق نموده بودند و از رودخانه‌های سیلابی که در بهار و پاییز دارای آب و در ایام تابستان (غیر از رودخانه ها و چشمه های و قسمت کوهستانی)بکلی خشک می شوند؛ چون شهر قزوین در منطقه رودخانه های سیلابی و دشتستان واقع گردیده است، همیشه در فصل تابستان در مضیقه بی آبی

www.noormags.ir

محلی و فعلاً هم می‌باشد.

برای مبارزه برضد کم‌آبی سابق که وسیله‌ای [که] مناسب‌تر و عملی‌تر با وضعیت فنی و اقتصادی زمان بوده است، یعنی بواسطه حفر چاه‌ها و ساختن آب انبارهای بزرگ به کار برده می‌شده است. با اینکه برطبق تحقیقات علمی که در اطراف آبیاری و شُرب فارس و خراسان به عمل آمده است، احداث قنوات در ایران خیلی قدیم می‌باشد. ولی علائمی که در دست است. احداث قنوات برای شُرب قزوین نسبتاً جدیدتر، و به طور کلی از زمان سلطنت مغول که قزوین است؛ تاریخی یافت شروع می‌گردد. به موجب شهادت مولف معروف «تاریخ گزیده» اولین قنات شهر قزوین فقط از زمان سلطان محمود سبکتکین، یعنی اواخر قرن چهاردهم هجری (اوایل قرن یازدهم میلادی) احداث شده است. در زمان خود حمدالله مستوفی، یعنی در اواسط قرن هشتم هجری (اواسط قرن چهاردهم میلادی) شهر قزوین دارای هشت قنات دایر بوده است: قنات جامع روان، طیفوری، رودباری و سیدی محله قدیم دستجرد و قنوات خاتونی، خمارتاش با صاحبی محله قدیم ابهر، و قنات ملکی محلات قدیم ابهر، ارواق، باروی را مشروب، من جمله: از قرار مذکور در همان اوقات یک قنات دیگری نیز موسوم به «قنات مبارک آباد» که به گفته مؤلف فوق به همت سیدفخرالدین (شاید کیافخرالدین معروف امیردیلم) احداث و وقف عامه محلی است. در اواسط قرن هشتم هجری وجود داشته است. ولی چون مؤلف مذکور اسم قنات فوق را جزو قنوات موجوده در زمان خود ذکر نمی‌نماید؛ بدین [صورت] می‌توان حدس زد که قنات مبارک آباد در زمان او مخروبه بوده است. تصور مزبور نیز دور از حقیقت نخواهد بود، زیرا وضعیت مذکور سرنوشت اغلب قنوات وقفی می‌باشد.

نکته دیگری که از مندرجات «تاریخ گزیده» استنباط می‌شود، ملکی بودن کلیه قنوات دایره آن زمان می‌باشد؛ یعنی عکس وضعیت فعلی که اکثر قنوات چه دایر و چه بایر وقفی است. تغییرات مذکوره بلاشک از اواخر سلطنت مغول خصوصاً از اوایل دوره صفویه (۹۰۷ـ۱۱۴۸ هجری. یعنی: ۱۵۰۲ـ۱۷۳۶ میلادی) شروع می‌شود.

فعلاً شهر قزوین دارای یازده رشته قنات به شرح ذیل می‌باشد:

شماره	نام قنوات	نوع مالکیت	طول قنات به ذرع	عده چاه‌ها	عمق چاه‌ها به ذرع	قیمت تقریبی قنات به تومان
۱	قنات آخوند	وقف محلات شهر	۵۰۰۰	۱۱۰	۵۵	۳۰/۰۰۰
۲	قنات شاه	وقف محلات	۳۲۰۰	۱۲۰	۲۵	۱۵/۰۰۰
۳	قنات طیفوری	وقف محلات	۶۰۰۰	۲۰۰	۳۵	۳۰/۰۰۰
۴	قنات حاتم‌بیگی	وقف محلات	۵۰۰۰	۱۵۵	۲۵	۲۰/۰۰۰
۵	قنات خیابان	وقف عمارات دولتی محلات	۸۰۰۰	۲۰۰	۱۵	۳۰/۰۰۰
۶	قنات خمارتاش	وقف محلات فعلاً منهدم	۶۰۰۰	۱۳۰	۳۸	۴۰/۰۰۰
۷	قنات آقاجمالی	وقف امام‌رضا	۲۰۰۰	۳۰	۳۰	۳/۰۰۰
۸	قنات میرزارسولی	وقف محلات شهر فعلاً منهدم	۵۰۰۰	۱۰۰	۳۰	۵/۰۰۰
۹	قنات آقاشیخ‌احمدی	وقف محلات شهرفعلاً منهدم	۵۰۰۰	۲۰۰	۲۵	۴/۰۰۰
۱۰	قنات حلال‌آب	ملک اهالی را به کوشک	۶۰۰۰	۲۲۵	۲۲	۲۰/۰۰۰
۱۱	قنات قولرآقاسی	ملک وراث آصف‌الدوله فعلاً منهدم	۴۰۰۰	۱۲۰	۲۰	۸/۰۰۰
	جمع		۵۵۴۰۰	۱۵۷۰	ـ	۱۸/۵۰۰

بنابر اطلاعات فوق امروز از یازده رشته قنات شهر قزوین، نه رشته آن وقف و دو رشته اربابی است. از قنوات وقفی مذکوره هم،

www.noormags.ir

یک رشته وقف خاص امام رضا(ع)است. یعنی از مشروبین حق‌الشرب اخذ و به خراسان فرستاده می‌شود، هشت رشتهٔ دیگر نیز وقف عام، یعنی بدون تاءدیه حق‌الشرب، مردم مشروب و استفاده می‌نمایند. متاءسفانه اسامی فعلی قنوات اغلب به وسیله صاحبان یا تعمیرکنندگان مابعد خود تغییر یافته است، به طوری که فعلاً نمی‌توان تحقیق اسامی کلیه قنوات دوره حمدالله مستوفی را از اسامی فعلی تمیز و تعیین نمود که کدام از آنها در عصر مؤلف مزبور وجود داشته است. چیزی که از تطبیق اسامی و اطلاعات مکتسبه به دست آمده است این است که قنات خمارتاش قدیم، قنات خمارتاش یا خمارتاج فعلی است (افواهاً معروف است که از مستحدثات خمارتاش ابن عبد عماد است). قنات خاتونی، قنات حاتم‌بیگ یا خاتونک حالیه است که عبارت از دو رشته یکی ـ حاتم‌بیگی و دیگری ـ خاتونک که در خارج در یک مجری داخل شده، به شهر وارد می‌شوند. فعلاً قنات مذکور گاه‌گاه به حاتم‌بیگی و گاهی به خاتونگ معروف است و چون حمدالله مستوفی آن را خاتونی می‌نامد، ظن قوی می‌رود که در عصر نویسنده مزبور یک رشته بوده بعدها رشته دیگری نیز به آن افزوده شده از قرار مشهور حاتم‌بیگ از اولاد و احفاد خواجه نصیرالدین طوسی معروف ـ وزیر هلاکو ـ می‌باشد. (۶۵۴ـ۶۶۳ هجری. یعنی ۱۲۵۶ـ۱۲۶۳ میلادی)

قنات طیفوری عصر مستوفی بلاشک قنات کیفوری یا طیفوری امروزه است. برطبق اطلاعات و مطالعات راجع به جریان آبها تقریباً می‌توان گفت که قنات رودباری قدیم، قنات قولرآقاسی فعلی، و قنات ملکی قنات شاهی امروزه می‌باشد.

متاءسفانه تا به حال کشف اسامی فعلی قنوات جامع روان و سیدی، صاحبی و مبارک آباد، برای این جانب میسر نشده است. ولی بدون تردید اسامی فعلی آنها بین اسامی قنوات آخوند میرزارسولی، حلال آب، شیخ احمدی، خیابان، آقاجمالی باید جستجو شود. از قرار مسموع قنات آخوند از مستحدثات خدیجه سلطان خانم ـ زوجه شاه طهماسب اول ـ بوده است. (۹۳۰ـ۹۸۴ هجری. یعنی: ۱۵۲۴ـ۱۵۷۶ میلادی) که به استعانت آخوند ملاخلیل حفر شده است. قنات آخوند محلات قدیمیه آن آخوند، مغلاوک، خان‌اکبر (Khandakbar). قنات شاه، محلات رابکوشک، قوی میدان و دیمیج. قنات حلال آب، محله راه کوشک. قنات طیفوری، محله راه کوشک، سر کوچه ریحان و باغان. قنات میرزارسولی، محلات راه کوشک و پنبه ریسه. قنات قولرآقاسی، محله راه کوشک. قنات حاتم‌بیگ، محلات پنبه ریسه، گل شه و راه چمن. قنات شیخ احمدی، محلات راه ری و راه چمنی. قنات خیابان، محلات پنبه ریسه و راه‌های، قنات خمارتاش، محلات قوی میدان و دیمیج، سر کوچه ریحان، خان اکبر و بالاخره. قنات آقاجمالی اراضی حکم آباد، محل سبزیکاری، شهر خارج از دروازه پنبه ریسه را مشروب می‌نمایند. ظرفیت سابق، فعلی و آتیه قنوات مذکوره از حیث استعداد از این قرار می‌باشد:

شماره	نام قنات	میزان آب سابق از قرار سنگ (۳۶)			میزان آب فعلی از قرار سنگ			میزان حداکثر ظرفیت قنات از قرار سنگ			مخارج به تومان	
		بهاره	تابستانه	پاییزه	بهاره	تابستانه	پاییزه	بهاره	تابستانه	پاییزه	لایروبی سالیانه	تعمیراساسی
۱	قنات آخوند	۳	۲	۲	۸	۷	۲	۱۲	۸	۸	۶۰۰	–
۲	۰ شاه	۸	۴	۴	۴	۲	۲	۸	۵	۵	۳۰۰	–
۳	۰ طیفوری	۱۲	۵	۵	۱۲	۵	۵	۱۶	۸	۸	۴۰۰	۳۰۰۰
۴	۰ حاتم‌بیگی	۴	۴	۴	–	–	$\frac{1}{8}$	۸	۴	۴	۲۰۰	۱۵۰۰
۵	۰ خیابان	۲۰	۶	۸	۱۶	۱	۱	۱۶	۸	۸	۶۰۰	۲۰۰۰
۶	۰ خمارتاش	۴	۴	۴	–	–	–	۱۶	۸	۸	۳۰۰	۲۵۰۰
۷	۰ آقاجمالی	۵	۴	۳	۲	۱	۱	۸	۴	۳	۱۰۰	۸۰۰
۸	۰ میرزارسولی	؟	؟	؟	–	–	–	۸	۴	۴	۲۰۰	۲۰۰۰
۹	۰ شیخ‌احمدی	؟	؟	؟	–	–	–	۶	۴	۳	۲۰۰	۲۵۰۰
۱۰	۰ حلال‌آب	۱۲	۴	۴	۱۲	۴	۴	۱۶	۶	۶	۵۰۰	۲۰۰۰
۱۱	۰ قولرآقاسی	؟	؟	؟	–	–	–	۶	۴	۴	۲۰۰	۲۰۰۰
	جمع	–	–	–	۵۴	۱۵	$۱۵\frac{1}{8}$	۱۲۰	۶۱	۶۱	۳۶۰۰	۲۰۳۰۰

www.noormags.ir

صورت فوق‌الذکر بخوبی نشان می‌دهد، چقدر وضعیت قنوات فعلی قزوین اسف‌انگیز و به چه دلیل همیشه در تابستان، شهر قزوین از کمی آب در ستوه است. برطبق ارقام مذکور چنانچه مبلغ ۲۰۳۰۰ تومان یک دفعه برای تعمیر اساسی و مبلغ ۳۶۰۰ تومان سالیانه برای لایروبی آنها خرج شود؛ شهر قزوین در تابستان به عوض ۱۵ سنگ آب، ۶۱ سنگ آب خواهد داشت. یعنی به وسیله کلیه احتیاجات خود را مرتفع و از آب انبارهای کثیف بزرگ که در شرف انهدام و کسی موفق به تعمیر آنها نخواهد شد (و صلاح هم در تعمیر آنها نیست، زیرا گرانتر از تعمیر قنوات خواهد شد) و استفاده از چاه‌های خانگی موقوف می گشت.

اسامی متولیان قنوات وقفی و اسامی مالکین قنوات اربابی به قرار ذیل است :

۱. قنات آخوند متولی آقاسیدنعیم اجزای کمیسیون: امام جمعه، صارم‌لشکر، مستشار حاج شیخ غلامعلی قصاب
۲. قنات شاه " ندارد " " وکیل‌التجار، حاج سیداحمد عطار
۳. قنات طیفوری " " " " حاجی سیدموسی بزاز، رفعت‌السلطان
۴. قنات حاتم‌بیگی " " " " عدل‌الممالک سهراب خان، اسعدالحکماء اداره فوائد عامه، موثق دیوان.
۵. قنات خیابان " میرزاابوتراب " "
۶. قنات خمارتاش " میرزاشریف، متولی مسجدجامع " " آقاسیدمحمد جزمه‌ای
۷. قنات آقاجمالی " سلطان عصر حالیه برطبق فرمان شاهی آقای علاءالملک (در اجاره آقای مؤیدالوزاره)
۸. قنات میرزارسولی " ندارد " ندارد.
۹. قنات شیخ‌احمدی " " " "

۱۰. قنات حلال‌آب آقایان حاج سیدموسی، رفعت سلطان، غیاث نظام وثوق‌الاسلام و امجدالوزاره و متصدیان مریضخانه امینی در امور آن، دخالت می نمایند.

۱۱. قنات قولرآقاسی "مالکین اند شیخ‌الاسلام و وراث آصف‌الدوله

قنوات اربابی توسط مالکین، و قنوات وقفی به توسط کمیسیونهای مخصوص با عضویت متولیان و دخالت بلدیه به طور نامرتب و هرج ومرج اداره می شود؛ چون قنوات اربابی مابین خورده مالک تقسیم و قنوات وقفی نیز در چنگال متولیان وظیفه‌ناشناس و در تحت نظارت کمیسیونهای نامرتب و غیرمسؤول و یک بلدیه چیان گرفتار می باشد، بدین جهت اوضاع شرب قزوین روزبروز بدتر و وخیم‌تر می گردد. حتی بعضی از متنفذین محلی شهر با همدستی متولیان، مقداری از آبهای قنوات وقفی را غصب نموده‌اند. به طوری که اگر زودتر اقدام برای جلوگیری از آنها نشود، اغلب قنوات قزوین مثل بیشتر موقوفات آن به تاراج خواهد رفت. برای خاتمه دادن به این اوضاع و تهیه آب کافی برای شرب شهر و بالاخره جستجوی عواید جدید بلدی در موقع کفالت مالیه قزوین چندین دفعه با رؤسای ادارات بلدیه و اوقاف و معارف داخل مذاکره شده و منتهی در اواسط حمل (فروردین) گذشته در موقع ابلاغ بودجه جدید بلدیه این جانب لزوم تشکیل کمیسیون مخصوصی در اداره بلدیه به عضویت نمایندگان ادارات فوق‌الذکر و اداره نظمیه و اداره مالیه تاءکید و ضمناً نمونه جدول‌بندی جزو جمع های ریز شاربین شهر تهیه و به اداره بلدیه ارسال داشتم؛ متاءسفانه تاامروز ترتیب اثری به آن داده نشده است و کمیسیون پیشنهادی نیز منعقد نگردیده است، گرچه فلسفه حقیقی تعلل فوق‌الذکر برای من مکشوف و تجربیات من به من نشان داده است که در اغلب ادارات دولتی «نان را به نرخ روز می خورند» خصوصاً در قزوین که امتنان تهیه جزو جمع رودخانه های قزوین به ثبوت رسانید که بدون یک افکار جدید ممکن نیست به تهیه جزو جمع های ریز شاربین نائل گردید. ولی نظر به لزوم جزو جمع های فوق چه از حیث تنظیم میاه و چه از نقطه نظر عواید بلدی لازم است به اداره مالیه قزوین مستقیماً و به اداره بلدیه قزوین به توسط وزارت داخله و به اداره معارف و اوقاف توسط وزارتخانه مربوطه اکیداً قدغن شود که در تهیه جزو و جمع های فوق‌الذکر و تشکیل کمیسیون پیشنهادی، و بالاخره تنظیم امور میاه و تعمیر اساسی قنوات برای تاءمین آب شهر اقدامات مجدانه به‌عمل آورند. بعلاوه به اداره مالیه قزوین امر شود که سواد کلیه اسناد راجع به قنوات وقفی را به دست آورده، یک نسخه آن را به وزارت مالیه ارسال دارد.

مسیو تیگران

www.noormags.ir

سند شماره ۲

وزارت مالیه، مورخه ۲۶ سرطان ۱۳۰۳ ش.

صورتمجلس .برای اجرای حکم نمره ۲۴۱۲، مورخه ۸برج سرطان جاری، اداره کل عایدات داخلی .خالصجات مملکتی .متضمن راپرت مورخه ۲برج شهر، مسیو تیگران ارهاکوپلان .کفیل سابقهٔ مالیه قزوین .برحسب امر رئیس محترم فعلی مالیه قزوین، کمیسیون مرکب از امضاکنندگان ذیل: سه ساعت قبل از ظهر یوم سه شنبه ۱۴ سرطان (تیرماه) در اداره مالیه تشکیل، و پس از مراجعه به دوسیه های مربوطه معلوم گردید که فقط یک قسمت اخیر آن راجع به تعمیر و دایر کردن قنوات موجوده قزوین که اکثراً رو به انهدام است، اقدام آن مربوط به وزارت جلیله مالیه می باشد. لذا عقیده اعضای کمیسیون این است که با توافق نظر ریاست محترم مالیه به اداره جلیله کل عایدات داخلی .خالصجات مملکتی .پیشنهاد شود. «نظر به اینکه مشاهدات و اقدامات سابقه ثابت نموده است که آقایان اهالی و شاربین قنوات مندرجه در راپورت مورخه ۱۲ثور مسیو تیگران به طیب خاطر حاضر به تحویل صورت صحیح جزو جمع اظهار و قنوات نیستند، و دولت نیز برای آبادانی مملکت مجبور از تعمیر و نگاهداری قنوات هر شهری است»، در صورتی که اجازه فرمایند؛ اعلانی به مضمون ذیل منتشر گردد: «نظر به اینکه برای حفظ آبادی مملکت و سرپرستی و رفاهیت حال اهالی دولت ناچار از اقدامات مجدانه است و مخصوصاً راجع به تعمیر قنوات فعلی قزوین که یگانه راه آسایش اهالی این شهر است، دولت در نظر دارد که به توسط متخصصین فنی تعمیرات قنوات تقریباً از دست رفته قزوین را بازدید و در صدد مرمت آن برآید، و از این تاریخ تا یک ماه دیگر به آقایان شاربین قنوات موجوده در قزوین اعلان و اخطار نماید که در ادارات مالیه قزوین .شعبه مالیات مستقیم .حضور به هم رسانده، اسامی و هویت خود و مقدار آبی که از هر یک از قنوات، در ایام سال مشروب می شوند؛ از روی کمال صحت صورت داده، تا دولت پس از بازدید، تعمیر قنوات مشغول مرمت آن گردیده و شاید از این راه بتواند از مفاسد بی آبی و خرابی شهر قزوین و اطراف آن جلوگیری نموده و آسایش آقایان شاربین نیز فراهم گردد. هرگاه پس از مدت یک ماه آقایان شاربین به ترتیبی که در فوق، ذکر شد خود را به اداره مالیه (شعبه مالیات مستقیم) معرفی ننمایند و صورت مطلوبه را ندهند؛ اداره مالیه قزوین از نقطه نظر اصلاح حال شهر و اهالی ناچار است که صورت مزبوره را توقیف و پس از تعمیر آن اقدامات مقتضیه به عمل بیاورد.

کفیل مالیات مستقیم رئیس شعبه راه رئیس محاسبات رئیس مالیات های غیرمستقیم

مرتضی خان اسدی نصرت الله خان میرزا احمدخان دبیر مغزز

مفتش محلی اداره مالیه

ع. انتظامی

سند شماره ۳

تاریخ ۲۷ / اسد (مرداد) [۱۳۰۴ ش.]

شهر قزوین دارای یازده رشته قنات وقفی و ملکی بوده است که به واسطه عدم توجه متولیان وقف و مالکین آب آنها کسر و در تابستان اهالی قزوین، برای فراهم نمودن آب در زحمت می باشند، و اطلاع داده است که قنوات مزبور محتاج به مرمت سالیانه و اساسی است. مخارج مرمت سالیانه آنها بالغ به ۳۶۰۰ تومان می باشد و مخارج اساسی آنها ۲۰۳۰۰ تومان است که اگر مخارج سالیانه و اساسی فوق در قنوات بشود. آب بهاره و پاییزه آنها دوبرابر آب امروزه که در قزوین جاری است، خواهد رسید و در تابستان هم تقریباً شصت و یک لیتر آب از آن قنوات داخل نهر شهر قزوین می شود که وسیله رفاهیت عامه و آبادی شهر قزوین و اراضی اطراف آن خواهد بود.

www.noormags.ir

پی‌نوشتها :

۱.قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۳۰.
۲.مقتدر، محمدرضا. آب و قنات در ایران، مجله ساختمان، سال یکم، شماره یکم (اسفند ۱۳۶۶ ش.)، ص ۷۴.
۳.سلیم، غلامرضا. مبانی تاریخ اجتماعی ایران (تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۷ش.)ص ۱۴۵.
۴.یازوکی، منوچهر. کاریز یا قنات، نشریه سیر و سیاحت، سال اول، ش ۲ (آبان ۱۳۶۷)ص ۲۸.
۵.معروف به شهر هفت حصار، در قرن هفتم قبل از میلاد از حکومت ماد به پایتخت بنا شد.
در ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح اکباتان توسط فارسها تصرف گردید و ایران به صورت کشور واحد درآمد. مقتدر، محمدرضا. همان، ص ۷۴.
۶.سلیم، غلامرضا. همان، ص ۱۴۵.
۷.سرمد، مرتضی. حقوق آب (تهران: وزارت آب و برق، ۱۳۵۰ش.)، ص ۷۸.
۸.هانس ای. وولف. همان، ص ۲۲۶.
۹.مقتدر، محمدرضا. همان، صص ۷۴-۷۵.
۱۰.هانس ای. وولف. همان، ص ۲۲۶.
۱۱.یازوکی، منوچهر. همان، ص ۲۵.
۱۲.کیهان، مسعود. جغرافیای مفصل ایران (تهران: مطبعه مجلس، ۱۳۱۱ش.)، ص ۶۰.
۱۳.سفیدبری، فصل خریف را گویند که موسم پائیزان و برگ‌ریزان باشد. دهخدا، علی‌اکبر. لغتنامه دهخدا، ج ۸ (تهران: موسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۳ش.)، ص ۱۲۰۵۶.
۱۴.بهار، فصل ربیع.
۱۵.پورابراهیم، حسین. جغرافیای گناباد (گناباد: نشر مرندیز، ۱۳۷۱ش)صص ۱۶۱-۱۶۳.
باتشکر از دوست عزیزم آقای محمد بهروز. ایشان از خدمتگزاران صدیق وزارت تعاون و اهل گناباد می‌باشند. که با گشاده طبعی در ارائه این نوشته به نگارنده راهنماییهای ارزنده‌ای را متقبل نمودند.
۱۶.بنگاه مستقل آبیاری، مجله آب (نشریه ماهیانه بنگاه مستقل آبیاری)، شماره دهم و یازدهم (دی ـ بهمن ۱۳۲۰ش.)، ص ۲۲.
۱۷.در اصل ماخذ یازده هزار قنات ذکر شده ولی به نظر هزار و صد قنات درست باشد.
۱۸.مصاحبه نشریه زن روز با عباس گروسی. تحت عنوان: قنات، نهری پر آب در قعر زمین، شماره ۸۱۰ (شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۶۰ش.)، ص ۱۸.
۱۹.خان جانی، محمدجواد. کاریز یا قنات و لزوم احیای آن، نشریه کشاورز، سال سوم، ش ۲۹ (اردیبهشت ۱۳۶۱ش.)، ص ۲۸ به نقل از :
Irrigation and Drainage .۱۰۰ (IR۳) ۲۴۵ Bybirdu, M ۱۹۷۴ .Ghanats of Iran :Drainage of stoping - ۲۵۳ . Aquifer . Jour . Of The
۲۰.همان، ص ۲۸.
۲۱.بدیعی، ربیع. جغرافیای مفصل ایران، ج اول (جغرافیای طبیعی)(تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۱ ش)صص ۱۸۸-۱۸۹.
۲۲.بنگاه مستقل آبیاری. همان، ص ۲۲.
۲۳.هنری، مرتضی. نگاهی گذرا به کاریز. نشریه یغما، سال ۳۲، (تهران: ۱۳۷۰ش.)، ص ۵۵۵.
۲۴.اولیویه. سفرنامه اولیویه، ترجمه محمدطاهر میرزا، به تصحیح غلامرضا ورهرام (تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۱ش.)، صص ۱۷۵-۱۷۶.
۲۵.اس. جی. دبیل. بنجامین. ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین شاه)، ترجمه محمدحسن کُردبچه (تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۹ش.)، چاپ دوم، ص ۶۱.
۲۶.خان جانی، محمدجواد. همان، ص ۲۸ به نقل از :
and Impr. wageningen The Nether De Ridder, N. A. ۱۹۷۷ .Optimum Use of water Resources. lands . Inter . inst . for Land Recl .
۲۷.احمدبن یعقوب. البُلدان، ترجمه ابراهیم آیتی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶)، ص ۴۶.
۲۸.بزوشم با ضم اول و سکون ثانی =بزشم (با ضم اول و فتح ثانی) کرک پشم نرمی است که از بالای موهای بز بیرون می کشند و بافته‌های با آن بسیار نرم و نازک است و به عربی آن را «مرعز» می گویند.
۲۹.ابواسحق ابراهیم اصطخری. مسالک و ممالک. به اهتمام ایرج افشار (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ش.) چاپ سوم، ص ۱۶۶.
۳۰.[مؤلف ناشناخته]. حدودالعالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده (تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۱ش.)، ص ۱۴۲.
۳۱.زکریابن محمودبن محمود قزوینی. آثارالبلاد و اخبارالعباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح میرهاشم محدث (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳ش.)، صص ۵۰۷-۵۰۸.
۳۲.سیف‌الدوله سلطان محمد. سفرنامه سیف‌الدوله (معروف به سفرنامه مکه)، به تصحیح و تحشیه علی‌اکبر خدایرست (تهران: نشر نی، ۱۳۶۲ش.)، ص ۳۰.
۳۳.محمدتقی خان حکیم. گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، با مقدمه عبدالحسین نوایی، به اهتمام محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر (تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۶ش.)، ص ۷۱۷.
۳۴.مادام کارلاسرنا. سفرنامه مادام کارلاسرنا در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی (تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲ش.)، ص ۲۵۲.
۳۵.این کتاب در سال ۷۳۰ه.ق تالیف گردیده و به نام «خواجه غیاث‌الدین محمد» وزیر، فرزند خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر و دانشمند معروف و صاحب «جامع التواریخ رشیدی» موشح شده است.
نویسنده ۲۳ کتاب را به عنوان منبع اصلی کار خود یاد کرده است که از آن جمله می توان آثاری چون : سیر النبی تالیف «ابن هشام .قصص الانبیا.تذکره الاولیا.التدوین نوشتهٔ امام رافعی . تجارب الامم، «ابن مسکویه».تاریخ محمدبن جریر طبری .تاریخ حمزه اصفهانی .تاریخ کامل ابن اثیر .زبدهٔ التواریخ .جهانگشای جوینی .سیر الملوک خواجه نظام الملک .شاهنامه فردوسی .سلجوقنامه .جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله و ... را نام برد.
نویسنده پس از ذکر منابع مورد استفاده به بحث درباره دوره‌های مختلف تاریخ و چگونگی آنها در نزد اقوام و ملتهای مختلف، پرداخته و یادآور می شود که بعضی از آنها هبوط آدم و بعضی طوفان نوح، و بعضی دیگر ظهور ابراهیم و موسی، گروهی زمان مرگ فرعون و بالاخره، بنیاد کعبه .استیلای حبشه بر یمن .زمان اسکندر .پیروزی بخت‌النصر .رویداد عام‌الفیل را سر آغاز تاریخ خود دانسته‌اند. در پی این بحث به اختلافهایی که در سال شماری بر اثر اختلاف در تعیین نقطه آغازین تاریخ پدیدار گشته اشاره می کند.
تاریخ گزیده شامل یک مقدمه (فاتحه) و شش «باب» است که هر یک از آنها به چند فصل تقسیم می گردد و با یک «خاتمه» پایان می پذیرد که عبارتند از :
فاتحه .در آفرینش کائنات
باب اول .(در ذکر پیغمبران مرسل و اولوالعزم و انبیا و حکما و کسانی که پیغمبر نبوده‌اند، ولی در کار حق و رواج دین سعی کرده‌اند.
باب دوم .در ذکر پادشاهان پیش از اسلام ایران (پیشدادیان .کیانیان .اشکانیان و ساسانیان).
باب سوم .در ذکر رسالت خاتم النبیین صلعم و خلفا و اولاد و اصحاب و احفاد او.
باب چهارم .در ذکر پادشاهانی که در عهد اسلام در ایران بوده‌اند (بنی صفار .سامانیان .غزنوی .غوریان .دیلمیان یا آل بویه .سلاجقه .خوارزمشاهیان .اتابکان .اسماعیلیان .سلاطین قراختایی کرمان .اتابکان لرستان .پادشاهان مغول ایران.
باب ملحق .پادشاهان آل مظفر
باب پنجم .در ذکر ائمهٔ سنت و قراء و مشایخ و علمای دین اسلام رضوان الله علیهم (ائمه مجتهدان .قراء .محدثان .مشایخ صوفیه .علماء علم دین و قضا و طب .شعرا)

www.noormags.ir

باب ششم. در ذکر قزوین (باب الجنه)
این باب شامل هشت فصل است که عبارتند از:
فصل اول: در ذکر اخبار و آثار که در شأن آن بقعه وارد است.
فصل دوم: در بیان کیفیت نام قزوین.
فصل سوم: در ذکر چگونگی بنای عمارت آن بقعه (چگونگی پایه گذاری و بنای شهر)
فصل چهارم: در ذکر فتح و اسلام اهل آن بقعه.
فصل پنجم: در ذکر نواحی و رودخانه‌ها و قنوات و مساجد و مقابر آنجا.
فصل ششم: در ذکر صحابه و تابعین و ائمه معصومین.... و علما و مشایخ.... و پادشاهان و وزرا و خوانین و امرا که به قزوین رسیده‌اند.
فصل هفتم: در ذکر حکام قزوین.
فصل هشتم: در ذکر قبایل قزوین و بزرگانی که از ایشان خواسته‌اند.

تاریخ گزیده از جمله کتابهای تاریخی به شمار می رود که با وجود گوناگونی مطالبی که در آن آمده از حجم به نسبت کمی برخوردار است و در ذکر هر مبحثی به فشرده بودن مطلب و کوتاهی کلام توجه شده است. تاریخ گزیده را می توان به عبارتی خلاصه‌ای درباره تاریخ عمومی ایران و بخشی از جهان، از آغاز آفرینش تادوران وزارت خواجه غیاث‌الدین محمد دانست. حمدالله مستوفی در نوشتن این اثر با بهره گرفتن از نوشته‌های پیش از خود، کوشیده است تا اشکالات موجود، در برخی از نوشته‌های معتبر را نیز اصلاح کند. او در بخش پایانی کتاب که باعنوان «خاتمه» مشخص ساخته و آن را به «ذکر انساب انبیا و اولیا و ائمه و پادشاهان و وزرا و غیر هم» اختصاص داده است، چنین می نویسد: «... این صورت مخدوم سعید خواجه رشیدالحق والدین طاب ثراه اختراع کرده است و راستی آنکه وضعی خوب است و ندیدم پیش از او کسی این وضع کرد. اما چون چند چیز را ملتفت نشده بود، چنان که جمعی که معاصر هم بوده‌اند، اسامی ایشان مختلف یاد کرده و تقدیم و تاءخیر معتبر نداشته و ذکر پادشاهان و وزرا و حکما و ائمه سنت قطعاً نکرده و شرح نسب پیغمبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم و اجداد او تا اسماعیل علیه السلام، از کسانی که سالها بعد از ایشان بوده‌اند مؤخر گردانیده و ذکر ائمه معصوم اثنی عشریه تمام نکرده و جداولی که بر انگیخته بسیار از هم بر گذرانیده و بعیدالفهم گشته، اندیشه کردم که شجره از پیوند بهتر ثمره دهد. بنابر این به تکمیل بر آن پیوند کردم. این شجره بر ذکر انبیاء ائمه و حکما و پادشاهان و وزراء و بعضی از صحابه نوشته شد به نوعی که قریب الفهم است...».

حمدالله مستوفی در تکمیل مشایخ و شعرا و بزرگانی که رافعی در «تدوین» معرفی کرده است، با آوردن خلاصه‌ای از نوشته‌های واقعی به صورت باب ششم کتاب خود، مطالبی را به آن افزوده است.

نوشته روان فارسی کتاب، در مقایسه با آثاری چون تاریخ جهانگشا و «وصاف» از دیگر امتیازهای این اثر باارزش به شمار می رود.

این کتاب از جمله آثار معتبری به شمار می رود که در قرن نوزدهم توجه شرق شناسان را به خود معطوف ساخت. نخست در سال ۱۸۵۷ شرق شناس معروف فرانسوی deMeynard Barbier بخش مربوط به شهر قزوین یعنی باب ششم تاریخ گزیده را به فرانسه ترجمه و در سری پنجم، جلد دهم (ژورنال آزیاتیک) انتشار داد. بعد از او در نخستین سال سده بیستم میلادی، «ادوارد براون» فصل مربوط به شاعران ایران آن را با بعد از مقابله با ۸ نسخه معتبر ترجمه و در نشریه انجمن همایون آسیایی به چاپ رسانید. در سال ۱۹۰۳ Jules Gantin فرانسوی باب چهارم مربوط به تاریخ شاهان ایران دوران بعد از اسلام را ترجمه و با متن فارسی آن منتشر کرد. تا اینکه در سال ۱۹۱۰ ادوارد براون از روی یک نسخه خطی مربوط به سال ۸۵۷ هجری، برای نخستین بار متن چاپی عکس فارسی آن را منتشر ساخت. او در سال ۱۹۱۳ با همکاری «نیکلسن» ترجمه خلاصه‌ای از کتاب را به انگلیسی به چاپ رسانید.

سرانجام استاد و پژوهشگر ارجمند آقای دکتر عبدالحسین نوایی توفیق یافتند تا به یاری ۵ نسخه مختلف، که قدیمی ترین آنها به آخر قرن هشتم یا آغاز قرن نهم نسبت داده شده، به کار تصحیح این اثر بپردازد و بعد از نزدیک به ۶۵۰ سال که از نوشته شدن این اثر می گذشت، آن را به صورت چاپی همراه با حاشیه نویسی های لازم در اختیار اهل تحقیق قرار دهند.

ور جاوند، پرویز. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، چ دوم (تهران: نشر نی با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷ش) صص ۱۲۰۸. ۱۲۱۰.

۳۶. در تاریخ بر گزیده به تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی، توضیح داده شده که قنات طیفوری [بر محلت دزج. امیر جمال‌الدین طیفور اخراج کرد و آن را دو شعبه است: یکی طرخانی، دوم بطحابادی]

حمدالله مستوفی. تاریخ بر گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴ ش) ص ۷۸۰.

۳۷. دکتر نوایی توضیح ذیل را برای قنات خاتونی مرقوم داشتند: [بر محلت صامغان و ری. ارسلان خاتون بنت سلطان الب ارسلان سلجوقی اخراج کرد. گویند قزوین در وجه اخراجات او بود و او به هر چندگاه آنجا رفتی و بر ظاهر شهر نزول کردی. اهل قزوین را آب وفا نمی کرد. به خدمت او رفتند تا از او التماس کنند که کاریزی بیرون آورد. او را دیدند چرخ زنان در پیش فکر کردند که چون او در قصابی است که به دست خود دو کس می رسد، دلش ندهد التماس ما مبذول داشتن و هیچ نگفتند. او به نور فراست دریافت و گفت چرخ پیرایهٔ چهین زنان است تا بدان مشغول باشند و فکر شان بناشایست نرود و می دانم که شمار التماسی است و به سبب چرخ گردانیدن من موقوف داشتید: تقریر باید کرد تا به قبول مقرون شود. ایشان به خرد و همت و عفت او مقر شدند و التماس باز گفتند. او بفرمود تا استادان به کار مشغول شدند و تا آب روان نشد، از قزوین غیبت نکرد رحمه‌الله علیها.]

همان، ص ۷۸۰.

۳۸. توضیح پیشتری که در نسخه به تصحیح دکتر نوایی راجع به این قنات داده شده: [زاهد خمار تاش عمادی اخراج کرد، به قرب سنه خمسمایه. جزاه‌الله خیراً]

همان، ص ۷۸۱.

۳۹. و در مورد قنات محلات ابهر می افزاید: [به محلت ابهر. حاجب حسن، خرقانی حاجب سلطان طغرل بن ارسلان سلجوقی بیرون آورد]

همان، ص ۷۸۱.

۴۰. حمدالله مستوفی. تاریخ گزیده، به سعی و اهتمام ادوارد برون انگلیسی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۱ش.) ص ۸۳۳.

۴۱. حاج آقا محمدی، عباس. سیمای استان قزوین (قزوین: انتشارات طه، ۱۳۷۷ش.) ص ۹۶.

۴۲. برای آگاهی کامل از متن وقفنامه به صفحه های ۲۶۱ تا ۲۶۶ مینو در مراجعه شود.

۴۳. میمون قلعه آثار خرابه قلعه بسیار قدیمی است.

۴۴. شهربند. سد ماندی است که در شمال برای جلوگیری از جریان سیل به سمت شهر ساخته شده است.

۴۵. ور جاوند، پرویز. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج اول (تهران: نشر نی با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷ش) صص ۴۰. ۴۶ (دقیقاً از همین ماءخذ نقل شده است.)

۴۶. سنگ آب: مقیاسی است برای آب و آن عبارتست از: مقدار معینی لیتر در هر ثانیه، توضیح در تهران یک سنگ آب عبارتست از مقدار آبی که از شکافی به اندازه ۲۰٪ متر مربع (۲/۱۵۲۸ فوت) و از قرار یک متر (۷۰۹۳۶ یارد در هر سه ثانیه جریان دارد. سنگ یا واحد بین المللی آب عبارت از میزان آبی است که از یک دهانه به عرض ده سانتیمتر و ارتفاع ده سانتیمتر در ثانیه جاری شود.

سنگ دیوانی مقیاسی است، برای آب و آن به «چرخ تقسیم می شود، و ۵ سنگ دیوانی را یک سنگ آسیاب گردان حساب می کنند.

دهخدا، علی اکبر. لغتنامه دهخدا، ج ۸ (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش). چاپ اول از دوره جدید، ص ۱۲۱۶۵.

۴۷. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. سند ۲۲۰۰۱۰۶۹۹. محل در آرشیو ۴۰۷ ط ۱ الف الف ۱.

با تشکر از همکاری کلیه همکاران که امکان دستیابی به این اسناد فراهم کردند.

www.noormags.ir

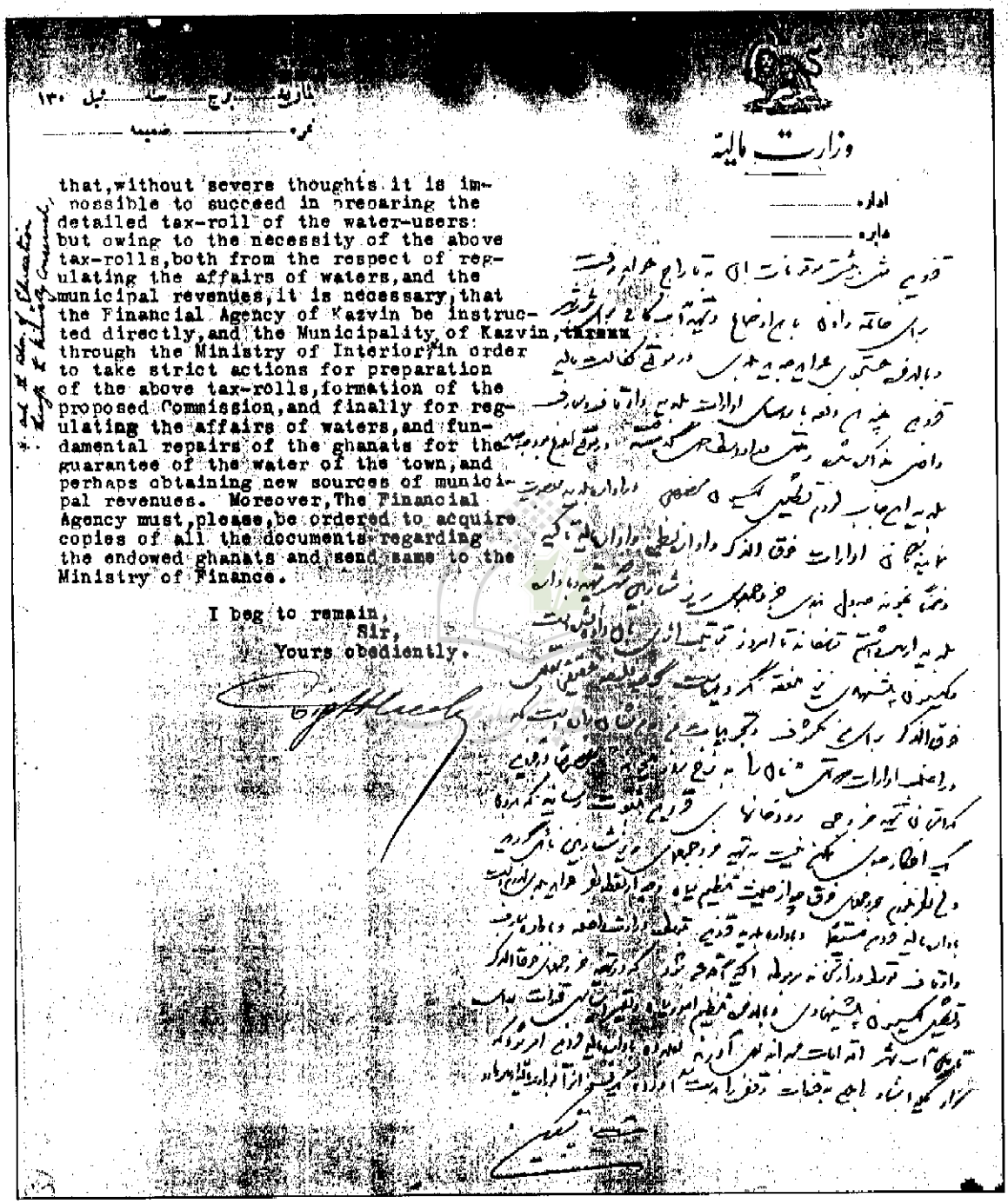

وزارت مالیه

اداره ———

شعبه ———

نمره ——— ضمیمه ———

تاریخ ——— برج ——— سنه ——— قبل ۱۳۰۰

that, without severe thoughts it is impossible to succeed in preparing the detailed tax-roll of the water-users: but owing to the necessity of the above tax-rolls, both from the respect of regulating the affairs of waters, and the municipal revenues, it is necessary, that the Financial Agency of Kazvin be instructed directly, and the Municipality of Kazvin, through the Ministry of Interior, in order to take strict actions for preparation of the above tax-rolls, formation of the proposed Commission, and finally for regulating the affairs of waters, and fundamental repairs of the ghanats for the guarantee of the water of the town, and perhaps obtaining new sources of municipal revenues. Moreover, The Financial Agency must, please, be ordered to acquire copies of all the documents regarding the endowed ghanats and send same to the Ministry of Finance.

I beg to remain,
Sir,
Yours obediently.

www.noormags.ir

No.6 dated, I2-2-o3.

وزارت مالیه

اداره ———

دایره ———

To,
The Administrator General
of Finances. Teheran.

Sir,

I have the honour to bring to your notice, that the littleness of water of some of the fertile districts of Kazvin particularly the town of Kazvin iteslf is well known in the histroy, so that the writers of the times, have often mentioned in their writings about it.

As the plain of Kazvin is surrounded by the skirts of the range of "Alborz" its waters consist of perpetual "Zehabs" (filtering waters), which had in the past rendered some of the districts as morasses, and flooding rivers which are current in the spring and autumn, and become quite dried (except the rivers and fountains of the mountaineous part).

Since the town of Kazvin is situated in the zone of the flooding rivers of the plain, it is always (and even now) confronted with scarcity of water in the season of summer.

To challange against the drought, formerly two means which have been considered more practicable and suitable with regard to the technical and economical situation of the time, were exercised, that is to say, digging wells and constructing big reservoirs.

Although according to the scientifical enquiries being made about the irrigation and watering of Fars and Kherassan, the production of "Ghanats" (conduits and channels) is very old in Persia, but the signs in hand show that the production of "Ghanat" for watering of Kazvin is comparatively recent, and taking one thing with another, it was commenced since the reign of Mongol, when Kazvin assumed an historical importance.

According to the famous author of the "Tarikhi-Guzida", the first ghanat of Kazvin was only produced in the time of Sultan Mahmood Saboktakin, that is to say, in the end of the 4th century of Hijri (biginning of the IIth. century, A.D.)

www.noormags.ir